



جنگ قدرت بالا گرفته است

صحنه سیاسی جامعه ایران در چند هفته اخیر، عرصه جنگ قدرت میان جناح های رقیب هیئت حاکمه بود. همانگونه که انتظار میرفت، سال جدید از همان آغاز با درگیری شدید جناح ها همراه بود. هنوز چند روزی از آغاز سال نگذشته بود که جناح وابسته به خامنه‌ای تعرض گسترده‌ای را علیه ائتلاف طرفداران خاتمی آغاز نمود. روزنامه زن که وابسته به کارگزاران بود به دستور دادگاه انقلاب اسلامی تعطیل شد. دیوان عالی دستگاه قضائی رژیم حکم محکومیت کرباسچی دبیر کل کارگزاران را قطعی اعلام نمود و وی روانه زندان شد. تا محکومیت دو ساله خود را طی کند. طرح استیضاح وزیر ارشاد اسلامی، یکی دیگر از سران کارگزاران به مجلس ارتجاع داده شد و بالاخره هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی حکم قطعی خود را مبنی بر عدم صلاحیت پنج تن از منتخبین شورای اسلامی شهر تهران اعلام نمود. همانگونه که از سیر رویدادها استنباط میشود، این جناح در جریان این تعرض، لبه تیز حملات خود را متوجه یکی از گروه‌های ائتلاف طرفداران خاتمی یعنی کارگزاران نمود. این تاکتیک دلائل و اهداف مشخصی داشت. نخست این که جناح وابسته به خامنه‌ای با اتخاذ این تاکتیک می خواست از درگیری شدن با کل نیروهای طرفدار خاتمی پرهیز کند. به یک گروه حمله کند و با زدن این گروه که همراه با تضعیف جناح رقیب است، در مراحل بعد دسته جات دیگر را مورد حمله و تعرض قرار دهد. گروه کارگزاران برغم کمیت محدودشان به علت تجربه ای که در هدایت و رهبری دستگاه بوروکراتیک دولت دارند، در زمره کادریهای اجرائی اصلی کابینه خاتمی قرار دارند. لذا طبیعی است که از صحنه بیرون راندن آنها نقش مهمی در استراتژی جناح وابسته به خامنه ای

صفحه ۲

برگزاری مراسم اول ماه مه در جهان

میلیونها کارگر در سراسر جهان، روز کارگر را با برپائی مراسم مختلف جشن گرفتند

امسال مراسم روز جهانی کارگر در ایران، متفاوت از سالهای گذشته، و با شرکت بالنسبه وسیع کارگران برگزار شد. روز اول ماه مه امسال، دهها هزار کارگر در شهرهای مختلف از جمله تهران، تبریز، همدان، سمنان، قزوین، خرم آباد، شهرهای مختلف استان خوزستان و مناطق دیگر به خیابانها آمدند و به شرایط غیر قابل تحمل کار و زندگی شان اعتراض کردند. مطالبات محوری طرح شده در این تظاهرات عبارت بودند از: افزایش دستمزدها، بازنشستگی پیش از موعد کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند، و رد طرح نمایندگان مجلس، که با تصویب آن، کارگاههای کوچک رسماً از شمول قانون کار خارج می شوند.

پس از کشتار خونین اوائل دهه ۶۰ که به قلع و قمع کارگران پیشرو و فعالان جنبش کارگری، و ممنوعیت هرگونه اعتراض کارگری انجامید، این نخستین بار است که کارگران در روز اول ماه مه برای طرح مطالبات کارگری و اعتراض به شرایط کار و زندگی شان، به خیابانها میریزند. گرچه سالها پیش رژیم، تحت فشار مبارزه کارگران مجبور شد اول ماه مه را به عنوان روز کارگر و تعطیل کارگری به رسمیت بشناسد، اما طی این سالها، همواره روز جهانی کارگر تحت الشعاع تبلیغات مذهبی و از جمله سالگرد مرگ مطهری قرار گرفته است.

صفحه ۲

فرمانی که تاریخ صادر کرده است

ویژه‌های دادگاه است. دوجناح اصلی حکومتی به قصد نجات رژیم، سخت به جدال با یکدیگر برخاسته اند و عجلالتا روش های بالنسبه متفاوتی را نسبت به مطبوعات پیشه کرده اند. جناح خاتمی در راستای پیشبرد سیاست های خود خواستار آن است که مطبوعات از آزادی های نسبی ولو در چار چوب جمهوری اسلامی و قوانین آن (با تفسیر خاص این جناح از آن) برخوردار باشند. این جناح، هر

صفحه ۳

بحران حکومتی بیش از پیش تشدید و شکاف میان جناح های حکومتی ژرف تر شده است. از درون این شکاف عمق یابنده، فریادهای آزادی طلبانه مردم رنج کشیده‌ای که بیست سال است با خشونت تمام سرکوب شده و تحت شدید ترین فشارهای طبقات حاکمه قرار داشته‌اند رساتر میشوند و جنبش های آزادی خواهانه و مستقل توده ای ولو با افت و خیزهای خاص این دوره، اندک اندک دارند سربر می‌آورند. همین خود ویژه گی شرایط امروز جامعه ایران است که به مطبوعات و روزنامه ها نیز جایگاه

در این شماره

تعرضی دیگر به حقوق کارگران

چرا پرونده قتل ها مسکوت مانده است ؟

ابعاد فاجعه بار حوادث ناشی از کار

گسترش اعتراضات جهانی علیه تجاوز نظامی ناتو به یوگسلاوی

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۸)

پیام و فراخوان مشترک

اطلاعیه ها

اخباری از ایران

اخبار کارگری جهان

صفحه ۷

صفحه ۸

صفحه ۸

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۱۵

صفحه ۱۵، ۱۳

صفحه ۱۱

صفحه ۱۱

چگونه میتوان از

تعرض سرمایه داران به

تعرض کارگران گذار نمود ؟

تعویق در پرداخت حقوق و مزایای کارگران دارد به یک پدیده رایج و عمومی تبدیل می شود. دغدغه از دست دادن کاروبلات کلیفی، همچون کابوس، جسم و جان کارگران را شب و روز آزار می دهد. سرمایه داران و کارفرمایان که در اخراج های جمعی و بیکار سازیهای وسیع، تعرض همه جانبه‌ای را علیه طبقه کارگر سازمان داده بودند، کماکان از این حربه علیه کارگران و برای مقابله با جنبش مطالباتی آنها سود میجویند. در همان حال که صدها هزار کارگر را اخراج و به خیابانها پرتاب نموده و به امان خدا رها کرده اند، فشار کار و استثمار کارگران شاغل را نیز تشدید کرده اند. هیچکس، نه سرمایه دار و

صفحه ۷

جنگ قدرت بالا گرفته است

ایقا میکنند. ثانیاً این انتخاب از آنرو بود که گروه کارگزاران در مجموع، حلقه ضعیف جبهه موسوم به دوم خرداد را تشکیل میدهند. چرا که کارگزاران یعنی کسانی که در دوران رفسنجانی در راس دستگاه اجرائی، پیش برنده و مجری سیاست های حکومت اسلامی بودند، فاقد هرگونه پایگاه توده ای و اعتبار در میان مردم اند. علاوه بر این، تشکیلات آنها و کلا موجودیتشان وابسته به تعداد محدودی از بوروکراتهای بالای دستگاه دولتی است. بنابراین درگیر شدن با آنها در استراتژی جناح خامنه ای از اولویت بیشتری برخوردار است تا درگیر شدن با خاتمی ویا مجمع روحانیون. براین اساس نوک تیز حمله متوجه کارگزاران شد و ضربات جدی نیز به آنها وارد آمد. اما با تمام این اوصاف، نتیجه درگیری های اخیر عجالتاً نه به نفع جناح خامنه ای بلکه به نفع طرفداران خاتمی تمام شد. در جریان جنگ قدرت جناح های هیئت حاکمه در چند هفته اخیر، جناحی که دست به تعرض زده بود، با دو شکست سنگین روبرو شد که تاثیر مستقیمی بر توازن قوای جناح های رقیب و تحولات آتی برجای گذاشت. نخست این که تصمیم وزارت کشور به ابقای ۵ عضو شورای شهر تهران که هیئت مرکزی نظارت، صلاحیت آنها را رد کرده بود و نشان دادن عبدالله نوری در راس این ارگان دولتی، به معنای این بود که از این پس دستگاه اجرائی تحت رهبری خاتمی در مسائلی که به حیطه کار این دستگاه مربوط میشود، تصمیم گیرنده اصلی است و نه نهادها و ارگانهای جناح رقیب. این روی داد از هم اکنون راه را برای رویارویی آشکار وزارت کشور خاتمی با شورای نگهبان و نظارت استصوابی آن در جریان انتخابات آینده مجلس ارتجاع اسلامی هموار نمود. اگر وزارت کشور از این قدرت برخوردار است که تصمیم هیئت مرکزی نظارت را وتو کند، همین رویه می تواند در برابر تصمیمات شورای نگهبان نیز اتخاذ گردد. از این رو، این روی داد شکست سیاسی سنگینی برای جناح وابسته به خامنه ای است. اما از این شکست سنگین تر، ابقای وزیر ارشاد اسلامی کابینه خاتمی در پست خود، در جریان استیضاح بود. جناح رقیب خاتمی تمام نیروی خود را بسیج کرده بود تا با استیضاح و برکناری مهاجرانی، برسیاست باصطلاح تساهل و تسامح خاتمی خط بطلان بکشد و سیاست خود را به جای آن بنشانند. اما شکست استیضاح کنندگان و رای که اکثریت به ابقای مهاجرانی داد، نتیجه ای کاملاً معکوس به بار آورد. سیاست خاتمی و وزیر ارشادش نه تنها مردود اعلام نشد بلکه مهر تأییدی نیز بر آن زده شد. این بدان معناست که خاتمی از این پس میتواند بدون هراس از جناح رقیب سیاستهای خود را در عرصه فرهنگی پیش ببرد. اما شکست استیضاح کنندگان، نتیجه مهم دیگری هم در پی داشت، توازن شکننده در مجلس ارتجاع را به نفع خاتمی برهم زد و از این پس جناح رقیب دیگر قادر نخواهد بود، از اهرم فشار مجلس و استیضاح برای پیشبرد سیاست های خود و مقابله با جناح خاتمی استفاده موثر کند.

با این تحولات و توازن قدرتی که در پی آن، میان جناحهای رقیب پدید آمده است، احتمال رودررویی و درگیری طرفداران خاتمی با جناح دیگر افزایش یافته است. جناح وابسته به خامنه ای که در وقایع دوسال اخیر پیوسته با شکست روبرو شده و هیچ چشم اندازی برای شکست سیاسی رقیب خود نمی بیند، تنها حربهای که هنوز در اختیار دارد استفاده از ابزارهای زور و سرکوب رسمی و غیر رسمی است. این جناح، اکنون دیگر بیش از پیش به این ابزار چشم امید بسته است.

برگزاری مراسم اول ماه مه در جهان

از جمله شعارهائی بود که در میان پرچمهای سرخ به چشم میخورد. راهپیمایان سپس در مقابل سفارت آمریکا تجمع کرده و علیه تجاوزات نظامی ناتو، به تظاهرات پرداختند. پلیس ضد شورش با حمله به تظاهرکنندگان دهها تن را مجروح و تنی چند را بازداشت کرد. در میدان سرخ مسکو، دهها هزار کارگر با در دست داشتن پرچمهای سرخ، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. "پرداخت دستمزدهای معوقه"، "کار برای بیکاران" و "قطع حمله نظامی به یوگسلاوی" از جمله شعارهای کارگران در این روز بود.

در فرانسه به دعوت دو اتحادیه ث.ت و ت.ث.اف مراسم با شرکت قریب به سی هزار تن در پاریس برگزار شد. کمیته ایرانی برگزاری اول ماه مه نیز همانند سالهای اخیر، در این تظاهرات شرکت نمود. بیش از ۱۵۰ تن از ایرانیان در صفی مستقل شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم سرداندوز حق تشکل برای کارگران ایران دفاع نمودند.

در دانمارک، بنا به سنت هر ساله، کارگران در دهها شهر از اولین ساعات روز در محل اتحادیه های کارگری تجمع نموده و سپس به راهپیمائی پرداختند. نمایندگان کارگران در سخنرانی های خود تاکید نمودند که جنگ هیچ نفعی برای مردم کوزوو ندارد. از دیگر مسائل مطروحه طی این مراسمها، افزایش تعطیلات سالانه از ۵ به ۶ هفته بود. برغم دخالت دولت دانمارک و غیرقانونی اعلام نمودن اعتصاب عمومی در ماه مه سال گذشته، کارگران همچنان بر این خواست خود بعنوان تنها راه حل کاهش تعداد بیکاران، تاکید نمودند. هر چند اکنون بخشی از کارگران موفق به افزایش تعطیلات سالانه خود شده اند، اما هنوز این خواست به طور سراسری تحقق نیافته است.

در ژاپن قریب به یک میلیون کارگر باراهپیمائی در شهرهای مختلف به موج وسیع بیکارسازیها و اخراج اعتراض کردند. هم اکنون ۴ میلیون نفر در این کشور بیکارند.

در ترکیه، دهها هزار تن در استانبول، با راهپیمائی و تظاهرات، روز اول ماه مه را گرامی داشتند.

در هلند به فراخوان سازمانها و جریانات چپ، تظاهراتی با شرکت حدود هزار تن در شهر رتردام برگزار شد. تظاهرکنندگان از جمله خواهان تعطیلی اول ماه مه و همچنین قطع حمله نظامی ناتو شدند.

در بسیاری از دیگر کشورهای جهان نیز روز اول ماه مه با راهپیمائی، گردهم آئی و تظاهرات همراه بود.

شوراهای اسلامی کار، و خانه کارگر که سازمانده و هدایت کننده این شوراهاست، طی سالهای گذشته تلاش کرده اند کارگران را برای شرکت در مراسم فرمایشی به کارخانه بکشاند و با برقراری سرویس حمل و نقل میان کارخانه ها و قبر خمینی، در عمل روز کارگر را به روز بزرگداشت خمینی تبدیل نمایند. این مراسم فرمایشی با بی اعتنائی کارگران روبرو شد و عملاً سال هاست که جز وابستگان به رژیم و اعضای شوراها و انجمن های اسلامی کسی در آن شرکت نمی کرد. امسال که حرکات اعتراضی متعدد کارگران در کارخانه های مختلف به اخراج های گسترده، کسرتش بیکاری و کاهش بازم بيشتر دستمزد واقعی کارگران، از تلاطم در درون کارخانه ها و رشد مبارزات کارگری خبر می دهد، خانه کارگر برای آنکه اوضاع را در کنترل خود داشته باشد، سعی کرد ابتکار برگزاری راهپیمائی اول ماه مه را در دست بگیرد. مسئولان خانه کارگر از وزارت کشور اجازه خواستند روز اول ماه مه در میدان بهارستان، گردهمائی تشکیل دهند. وزارت کشور از دادن اجازه گردهمائی خود داری کرد. تظاهرات اول ماه مه در شهرهای مختلف و با شرکت کارگران برگزار شد. شرکت مسئولان خانه کارگر در این گردهمائی ها و ابراز پشتیبانی آنها از برخی مطالبات کارگران، پیام دیگری ندارد جز اینکه کارگران به اشکال علنی تر و همگانی تر مبارزه روی آورده اند و خانه کارگر تلاش میکند این مبارزات را محدود و کنترل کند.

در سایر نقاط جهان، کارگران اول ماه مه روز جهانی کارگر را به روز مبارزه علیه جنگ و جنگ طلبی دول امپریالیستی تبدیل نمودند و تجاوزات نظامی ناتو به یوگسلاوی را محکوم کردند. در این روز کارگران در راهپیمائی ها و مراسم مختلف، پرچمهای سرخ را به اهتزاز در آوردند. آخرین روز کارگر در قرن بیستم، روز مبارزه علیه فقر و بیکاری و جنگ و خونریزی بود. روز نمایش همبستگی بین المللی کارگران بود. در کوبا، بیش از نیم میلیون نفر به راهپیمائی در هاوانا پرداختند و سپس در میدان انقلاب تجمع نمودند. طی این مراسم، حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی محکوم شد و راهپیمایان خواهان قطع فوری جنگ و خروج نیروهای ناتواز منطقه شدند. کارگران با برافراشتن پرچمهای سرخ و سر دادن شعار "زنده باد سوسیالیسم" این روز را گرامی داشتند.

در شهرهای زاربروکن و برلن آلمان، دهها هزار تن با دست زدن به راهپیمائی و تظاهرات به استقبال این روز رفتند. تظاهرکنندگان با سر دادن شعار، خواهان قطع جنگ در یوگسلاوی شدند. در جریان این تظاهرات، پلیس به صف تظاهرکنندگان حمله ور شد که در نتیجه آن بیش از ۱۵۰ تن دستگیر و دهها تن مجروح شدند. در آتن، صدها هزار کارگر در روز جهانی کارگر به خیابانها آمده و دست به راهپیمائی زدند. "قطع جنگ در یوگسلاوی" و "کار برای بیکاران"

فرمانی که تاریخ صادر کرده است

مسئولیت آن هم با یک زن، پس‌دهها زن بسیجی هم برای اعتراض به عمل کرد فائزه رفسنجانی به جلومجلس فرستاده شدند تا در آنجا با شعارهائی نظیر "ماحامی قرآنیم در مجلس اسلامی، قطامه نمیخواهیم" خواهان اخراج وی از مجلس و برچیدن بساط روزنامه‌ها و مطبوعاتی شوند که در آن‌ها به ارزش‌های اسلامی اهانت میشود. در فضا سازی علیه جناح خاتمی و مطبوعات، اگر علم کردن پرونده کرباسچی شهردار تهران هم می‌توانست کمک کند و موضوع فشاری باشد، پس دستگاه قضائی در طرح دوباره این پرونده هم تردید نکرد و ضمن رد درخواست فرجام خواهی کرباسچی، برحکم قبلی دادگاه (از جمله دو سال زندان) تاکید دوباره نهاد.

برای کوتاه کردن زبان مطبوعات و نویسندگان، این‌ها هنوز کافی نبود و لازم بود تا چهره‌های بنامی که دائماً شمشیرها را بر فراز سر خود می‌چرخاندند و هر لحظه آماده اندتا آن‌ها را برگردنی و یا زبانی فرود آورند نیز وارد صحنه شوند. پس سر و کله رحیم صفوی هم دو باره پیدا شد و به "قلم‌های زهرآگین" و "مسموم" هشدار داد. سرتیپ سردارنقدي نیز "قلم‌های مسموم" را تهدید کرد و صاحبان آنها را "همدست تروریست"‌ها و قاتلین صیاد شیرازی خواند. شماری از روزنامه نگاران و نویسندگان اینجا و آنجا بار دیگر مورد تهدید و ضرب و شتم قرار گرفتند. روزنامه‌های وابسته به جناح یزدی چنین بشارت می‌دادند که در ماه محرم نبرد خون و شمشیر ادامه خواهد یافت. "جبهه‌ی آقای ده نمکی که بجای "شلمچه" منتشر می‌شود، ضمن آنکه می‌نوشت و شعار می‌داد "مطبوعات بی بنیاد، شریک قتل صیاد" برای رسیدن ماه محرم و تعیین تکلیف با مطبوعات مستقل و نویسندگان بی صبری میکرد. زمینه‌ها بقدر کافی برای ریختن خون مطبوعات در ماه محرم آماده شده بود. تمام اینها حکایت از آن میکرد که جناح یزدی، توطئه وسیعی را علیه مطبوعات و نویسندگان تدارک دیده است و یک روز بیشتر به آغاز ماه محرم نمانده بود.

خاتمی تهدید به افشاگری کرد

حمله به مطبوعات که در این لحظه با حمله به وزیر خاتمی و سیاستهای وی گره خورده بود، سرانجام رئیس جمهور را هم به عکس العمل واداشت و او را ناگهان به یاد آدم ربائی‌ها و قتل فقیع نویسندگان توسط مامورین اطلاعات انداخت. او درسختانی که بیست و هشتم فروردین ماه یعنی یک روز قبل از آغاز محرم در جمع استاندانان ایراد نمود، در پوشش حمله به "گروه‌های بی نام و نشان" که تحت عنوان "مقدسات" فعالیت میکنند و به تلاشهای وسیع و "شیطنان‌آمیز"ی دست می‌زنند، چنین هشدار داد که اگر این شیطنانها تداوم یابد، او هم که تا کنون "برای جلوگیری از تشنج در جامعه" درمورد این مسئله سکوت کرده و به "افشاگری" نپرداخته است، "ابعاد و سرخ‌ها"ی این قضیه را "برملا" خواهد کرد.

صحبت‌های خاتمی پیرامون افشاگری، قطع نظر از این مسئله که قبل از هرچیز یکبار دیگر، چهره خود وی را در پنهان کردن حقایق از چشم و انظار مردم افشاد و برملا کرد، اما تهدید هائی را نیز در دل خود حمل می‌نمود. این سخنان که از سوی طرفداران خاتمی "قاطعانه" تلقی گردید، راه را بر طرفداران او

به وزیر ارشاد و حتی رئیس جمهور نیز هشدار داد. این تهدیدها که بعداً هم از زبان وی تکرار شد، تهدید توخالی نبود. همینکه نخستین شماره روزنامه‌ها و نشریات بعد از پایان تعطیلات منتشر گردید، تهدید گران هم جهت اجرای تهدید خود دست بکار شدند. برای بریدن سرمطبوعات و بستن دهان‌ها، آنها از یک جائی میبایستی شروع میکردند و بهانه‌ای میداشتند. قرعه بنام روزنامه "زن" افتاد که مدیر مسئول آن فائزه هاشمی رفسنجانی، یکی از اعضای اصلی کارگزاران سازندگی است. چاپ چند جمله از سخنان فرح دیبا و بعد هم کاریکاتوری درمورد "دیه" کافی بود تا دادگاه انقلاب اسلامی در ۱۷ فروردین، در آن‌ها را تخته کند. با این اقدام جناح یزدی، یعنی تعطیلی روزنامه‌ای که مدیریت آن را دختر رئیس جمهور قبلی و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام فعلی برعهده داشت، علی‌القاعده سایر روزنامه‌ها و نشریات، بویژه روزنامه‌ها و نشریات مستقل یا نیمه مستقلی هم که به چاپ می‌رسید و اصولاً کلیه روزنامه نگاران و نویسندگان آزادیخواه نیز باید حساب کار خود را می‌کردند. جناح یزدی اینجا در واقع از کانال روزنامه "زن" هم کارگزاران و هم وزیر ارشاد (که او هم از اعضای اصلی کارگزاران است) را به مصاف طلبیده بود، و هم در برابر سیاستهای او که سیاستهای خاتمی بود ایستاده بود.

در برابر این حمله که می‌بایستی راه را برای حمله به سایر روزنامه‌ها و مطبوعات می‌گشود و هموار می‌کرد، نه فقط وزارت ارشاد با صدور بیانیه‌ای رسیدگی به تخلفات و جرائم مطبوعاتی را در حیطة وظائف و اختیارات دادگاه مطبوعات دانست و لذا اقدام دادگاه انقلاب را "فاقدوجهات قانونی" شمرد، بلکه موج مخالفت با این اقدام و محکومیت آن، از همه سو و قبل از همه از جانب روزنامه‌ها و جامعه مطبوعاتی بالا گرفت. با این همه وزیر ارشاد از موضعی پائین و غیر جنجالی چنین اعلام کرد که وزارت ارشاد هیچگاه داعیه تبیین مبانی اسلام را نداشته است، اما اینکه چه مواردی مخل به مبانی دینی است، "تشخیص و تفصیل آن با قانون" است. آقای وزیر به رئیس قوه قضائیه توضیح داد که در "شورای عالی فرهنگی" و در حضور شخص رئیس جمهور، تشخیص این مسئله به ارگانی به نام "شورای فرهنگ عمومی" واگذار شده است که این شورا نیز از افرادی خارج از وزارت ارشاد و از جمله "صاحب نظرانی از حوزه علمیه قم" تشکیل شده است. وزیر ارشاد، با بیان این که وزارت ارشاد در این زمینه که چه چیزی مخل به مبانی اسلام است تصمیم‌گیری نمی‌کند، و نیز از طریق تاکید مجدد بر قوانین اسلامی و صحنه گذاشتن بر صلاحیت و حق ویژه روحانیون در تشخیص و تفسیر این قوانین، سعی کرد یزدی و جناح وی را کمی آرام کند.

اما این سخنان، تاثیری در نقشه‌های تدارک دیده شده یزدی و جناح وی برجای نگذاشت. او در همان حال که اقدام روزنامه "زن" را یک عمل ضد انقلابی خواند و رسیدگی به آنرا نیز وظیفه دادگاه انقلاب اسلامی دانست، سرگرم بسیج بسیجیان و امت همیشه در صحنه بود و از آنجا که این بار موضوع، در گام نخست روزنامه "زن" بود و

چند که لایه معینی از بورژوازی را نمایندگی میکند، اما در اساس هدفش نجات کلیت رژیم جمهوری اسلامی و سرو سامان بخشیدن به کل نظام حاکم است. معهدا پیشبرد و اجرای این سیاست، در جامعه‌ای که دست کم دو دهه (فرض آنکه دوران طولانی استبداد سلطنتی را هم در نظر بگیریم) زیر فشار استبداد اسلامی فشرده تر شده و به جبر و زور مختق نگاه داشته شده است، نمیتواند تماماً طبق امیال و نقشه‌های این‌ها پیاده شود و فرضاً در دایره‌ای که خواست اینهاست مسدود گردد یا دامنه‌اش در اندازه مورد نظر اینها محدود شود. چنین است که از این فضا نه فقط جناح خاتمی که برای پیشبرد اهداف خویش نیازمند آن است، بلکه هر قشر و طبقه‌ای ولو نه به یک اندازه و گاه بسیار نا متناسوبی میتواند سهمی بردارد. اگر کارگران و توده‌های زحمتکش مردم، کثیرالعددترین اقشاری هستند که سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بیش از هر کس مشمول حال آنان شده است، پس آنان نیز می‌توانند از این فضا هوشیارانه به نفع خود استفاده کنند و مستقلاً به میدان بیایند، خصوصاً آن که از قبل ارمان جمهوری اسلامی، یعنی وخامت اوضاع اقتصادی و معیشتی نیز، استعداد و آمادگی ابراز وجود و شرایط بالقوه چنین به میدان آمدنی را هم دارند.

جناح دیگر حکومتی اما نجات جمهوری اسلامی را در سرکوب و اختناق بیشتر و بستن کامل دهانها جستجو میکند. این جناح هر چند که تحت عنوان "احلال در مبانی اسلام" به مطبوعات حمله میکند، اما هدفش در اساس منکوب کردن توده مردم است. از نظر این جناح حمله به مطبوعات و بستن روزنامه‌ها وسیله و مقدمه‌ای است برای خفه کردن آحاد جامعه. از همین روست که سران این جناح مکرر در مکرر علیه مطبوعات و نویسندگان آشکارا شمشیر کشیده‌اند و می‌کشند.

تهاجم آخر، اما نه آخرین تهاجم

نمونه آخر از این دست حملات را که یقیناً آخرین نمونه نخواهد بود، آقای یزدی رئیس قوه قضائیه در تعطیلات نوروزی یعنی درست روزهای که مطبوعات هم انتشار نمی‌یافت، تدارک دید. مقدمات آن را در اولین نماز جمعه سال جدید در تهران چید تا روزهای بعد آن را به اجرا در آورد. آقای یزدی که یکی از مرتجعین بنام و شخصیت‌های اصلی جناح مخالف خاتمی و از طرفداران پرو پا قرص سرکوب و خشونت حداکثر است، در صحبت‌های خود طبق معمول خیلی واضح و صریح، نه فقط روزنامه‌ها و مطبوعات را که هر چه دلشان می‌خواهد می‌نویسند و "مبانی اسلام" را زیر سؤال می‌برند، شدیداً تهدید کرد و از دستگیریه‌ها و بازداشت‌های عنقریب خبر داد، بلکه همچنین وزارت ارشاد و مسئولین آن را که اساساً از مبانی اسلامی سردر نمی‌آورند و نمی‌فهمند چه چیزهائی لخلال به مبانی اسلام است و از همینرو به روزنامه‌ها و کتابهائی اجازه انتشار داده‌اند که مطالب آنها مخل به مبانی اسلام محسوب میشوند، شدیداً مورد حمله قرار داد و در این مورد

فرمانی که تاریخ صادر کرده است

گسترش اعتراضات جهانی

علیه تجاوز

ناتو به یوگسلاوی

بیش از یکماه از تجاوز نظامی کشورهای عضو "ناتو" به یوگسلاوی میگذرد. دول امپریالیستی که ظاهراً به بهانه "دفاع از حقوق بشر" آتش جنگ را برافروخته اند، هفته هاست که مردم بی دفاع را زیر بمباران و موشک باران قرار داده اند. طی این مدت بیش از ۶۰۰ هواپیمای جنگی، بلاوقفه اهداف نظامی و غیر نظامی را مورد حمله قرار داده اند. آمار منتشره از سوی رسانه های گروهی دولتهای درگیر، حاکی از به هلاکت رسیدن بیش از صد تن از مردم غیر نظامی است. صدها هزار آواره و بی پناه در کشورهای همجوار، فاقد هرگونه امکانات بهداشتی و غذایی سرگرداند.

علیرغم اعمال سانسور شدید بر رسانه های گروهی و جعل اخبار و واقعیات جنگ، دامنه اعتراضات علیه جنگ و جنگ طلبی، در سراسر جهان گسترش مییابد. در اولین روز جنگ، هزاران تن در اسکوپیه علیه حملات نظامی ناتو، به تظاهرات پرداختند و به ساختمان سفارت آمریکا در این شهر حمله کردند. تظاهرکنندگان خواهان توقف فوری بمبارانها شدند.

بیش از دو میلیون کارگرو کارمند روز ۲ آوریل در یونان، دست از کار کشیده و به تظاهرات علیه حمله نظامی ناتو پرداختند. این حرکت وسیع و توده ای که بیانگر مخالفت با جنگ و جنگ طلبی بود از زیر تیغ سانسور خبری اکثر رسانه های گروهی جهان رد نشد و انعکاسی نیافت.

در ایتالیا، روز ۲۴ آوریل بیش از دویست هزار تن در رم دست به تظاهرات زدند. در میلان، کنسولگری آمریکامورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت. در شهرنپل، راهپیمایی اعتراضی، با حمله پلیس به تظاهرکنندگان، به درگیری انجامید.

در بلگراد پایتخت یوگسلاوی روز ۲۴ آوریل بیش از ده هزار تن ضمن راهپیمایی در خیابانها، خواهان توقف بمبارانها شدند.

در پنجاهمین سالروز تاسیس ناتو، بیش از ده هزار تن در شهر بن آلمان به تظاهرات پرداختند. پلیس تظاهرکنندگان را مورد حمله قرار داد که در نتیجه آن دهها تن زخمی گشتند.

در روسیه، هلندوبلژیک نیز هزاران تن با دست زدن به تظاهرات و راهپیمایی، مخالفت خود را با سیاستهای جنگ طلبانه دول امپریالیستی به نمایش گذاردند. همچنین پس از بمباران مرکز رادیو-تلویزیون یوگسلاوی، اعتراضات جهانی علیه حملات ناتو به یوگسلاوی گسترش یافت.

در اینجا در روز یازده اردیبهشت میبایستی میچید. اقلی مهاجرانی و اصولاً جریان کارگزاران سازندگی، که یکبار در قضیه تعطیلی روزنامه جامعه علیه گردانندگان آن و برله تعطیلی و توقف انتشار آن موضع گرفته و مواضع خود را با خواست و موضع جناح یزدی به انطباق کشیده بود، و یک بار هم در قضیه انتخابات مجلس خبرگان از رئیس جمهور کاملاً فاصله گرفته و به جناح مقابل او نزدیک شده و با آن ائتلاف کرده بود، در اینجا می بایستی یا بطور کامل به خواست این جناح تمکین کند، یا عجالتاً در خط توسعه سیاسی و سیاستهای رئیس جمهور گام زند و سطح توقعات جامعه مطبوعاتی را نیز بخشا در نظر بگیرد. بیرون از مجلس اما شرایط جامعه و خواست مردم به پیشروی برلی کسب آزادی های سیاسی بنحوی نبود که حتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم که کرارا برای مدیران مسئول مطبوعات تذکرات کتبی فرستاده بود، بتواند آن را نادیده بگیرد. و چنین بود که مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد و عضو موثر کارگزاران سازندگی این بار راه دوم را برگزید و از سیاستهای اعمال شده به دفاع برخاست.

در مجلس که پیش از این اکثریت اش با جناح یزدی بود، بر خلاف انتظار این جناح، در برابر رأی که خواهان برکناری وزیر ارشاد شده بودند، ۱۲۵ نفر به آن رای مخالف دادند و در نتیجه مهاجرانی در پست وزارت ارشاد ابقا شد. ماحصل، باز هم اقتضاح و شکست جناح یزدی بود و آخرین تیررها شده این جناح هم به سنگ خورد.

کشمکش برسر مطبوعات و نویسندگان و دور جدید تهاجمات جناح یزدی، اگر چه سرانجام با شکست این جناح پایان یافت، اما این قضیه بمعنی خاتمه این جنگ و جدال ها نیست. اندیشه و بیان همچنان در بند و موضوع مبارزه مردم است. از همان فردای ابقا و وزیر ارشاد، رسالت، کیهان و سایر روزنامه های وابسته به جناح یزدی، همچنان بر تغییر سیاست ها و محدود تر ساختن دامنه فعالیت مطبوعات و نویسندگان اصرار ورزیده اند، از سوی دیگر نویسندگان، روز نامه نگاران و مطبوعات غیر وابسته به این جناح، در همان حال که نسبت به محدودیت های موجود ابراز نا رضایتی می کنند، در بیم و هراس اقدامات بعدی جناح شکست خورده و باندهای مهاجم وابسته به آن بسر می برند. هیچگونه نشانی از توقف تحرکات و تهدیدات این باندها دیده نمیشود. با اینهمه مجموعه این جدالها و لشکر کشی علیه مطبوعات و نویسندگان، بار دیگر این حقیقت را به اثبات می رساند که، کل جامعه مطبوعاتی و نویسندگان و روزنامه نگاران، طی دو ساله اخیر مراحل را طی کرده اند، پیچ و خم هایی را پشت سر نهاده و تجارب زیادی نیز آموخته اند و در مقایسه با سالهای گذشته، گام هایی نیز به جلو برداشته اند. مستقل از تمامی اهداف و مقاصد جناحهای حکومتی در این کشمکشها، حمله ها و دفاع ها، حقیقت قضیه این است که نه جناح یزدی و نه جناح خاتمی و نه هیچکس دیگر، نمیتواند فرمان توقف جامعه ای را که در عطش آزادی های سیاسی میسوزد و برای آن مبارزه میکند، صادر کند و آن را به سالهای گذشته عودت دهد. چنین فرمانی را، فرمانبری نیست. چنین فرمانی در برابر تاریخ است، تاریخی که فرمان خود را صادر کرده است: رفتن جمهوری اسلامی!

و کل جامعه مطبوعاتی و نویسندگان در برابر مخالفت با جناح یزدی و اقدامات آن، بیشتر گشود. بلافاصله بعد از سخنان خاتمی است که ۱۲۵ نویسنده در نامه سرگشاده ای خطاب به او ضمن اشاره به وقت گذرانی هایی که در زمینه روشن شدن جزئیات قتل نویسندگان صورت گرفته است، خواستار روشن شدن این موضوع شدند. در نامه سرگشاده دیگری خطاب به خاتمی، ۳۹۴ روزنامه نگار، ضرورت "حفظ حرمت انسانها" را به وی گوشزد نموده، از ضرب و شتم و ناسزاگویی به روزنامه نگاران شکایت کرده و متوقف نمودن انتشار روزنامه "زن" را نیز محکوم کردند و علاوه بر این ها اکثر روزنامه ها و نشریات به غیر از مطبوعات وابسته به جناح یزدی، تحرکات اخیر این جناح علیه مطبوعات را محکوم به شکست دانستند. برخی از این نشریات، نظیر "نشاط"، "خرداد" و "آریا" حتی مطالب روزنامه تعطیل شده "زن" را به چاپ رساندند و بدینوسیله علناً به آقایی یزدی و جناحش دهن کجی کردند!

آخرین تیرترکش هم برسنگ نشست

جناح یزدی اکنون میبایستی آخرین تیرترکش خود را رها می کرد. در همان حال که گله های انصار حزب الله و "دانشجوی" ی بسیجی را به خیابان ها میفرستادند و آنان در تظاهرات خویشتن پیامهای خود را برای خاتمی و وزیر ارشادش می فرستادند که "سردسته تساهل این آخرین پیام است، دانشجوی بسیجی آماده قیام است"، در همان حال که در فضا سازی علیه مطبوعات و علیه جناح رقیب از دست نوشته ها و توصیه های "مراجع" و فسیل های قم استفاده مینمود، و درست زمانی که مهاجرانی تازه آغاز کرده بود تا در "شورای فرهنگ عمومی" اش، "مبانی دینی" و "حقوق عمومی" در قانون مطبوعات را آنها با استفاده از نظر "صاحب نظران حقوقی و فقهی" بررسی کند، ۳۱ تن از نمایندگان وابسته به جناح یزدی در مجلس، خواستار استیضاح او شدند. دین ستیزی، اهانت به ارزشهای دینی در مطبوعات و کتابها، احیای قانون نویسندگان، از جمله مهم ترین دلالتی بود که در طرح استیضاح کنندگان بدان اشاره شده بود.

درست در همین بجه بود که برای تحت فشار قرار دادن جناح خاتمی، رئیس هیئت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، آنها در حالیکه مدتها از این مسئله گذشته بود، بار دیگر صلاحیت پنج تن از افراد وابسته به جناح خاتمی را که ظاهراً بیشترین آرا را بخود اختصاص داده بودند، رد کرد. اما روز نهم اردیبهشت ماه که خاتمی نخستین اجلاس این شورا را در شهر تهران افتتاح می کرد، بر قانونی بودن انتخاب آنها که وزارت کشور هم آن را تأیید کرده بود، صحه گذاشت و یکبار دیگر رد صلاحیت این افراد، رد شد و جناح یزدی در اینجا هم نتوانست کار چندانی از پیش ببرد.

سرانجام تمامی اقدامات جناح یزدی علیه مطبوعات و برای محدودیت دامنه فعالیت روزنامه نگاران و نویسندگان، اکنون به کشاندن وزیر فرهنگ و ارشاد به مجلس منتهی شده و در استیضاح مهاجرانی که استیضاح سیاست های خاتمی هم بود، تبلور یافته بود. جناح یزدی، محصول تهاجمات دو ماهه اش را

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۲۸)

دوران انترناسیونال دوم

گسترش مبارزات و اعتلا جنبش بین المللی طبقه کارگر

با آغاز دهه دوم قرن بیستم جنبش بین المللی کارگری، وارد مرحله نوینی از رشد و اعتلا گردید. در فاصله سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول آغاز گردید، مبارزات طبقه کارگر در عموم کشورهای سرمایه داری به رشد و گسترش بی سابقه ای رسید و موج اعتصابات و تظاهرات تقریباً تمام کشورهای سرمایه داری را فراگرفت. در آلمان برغم سیاستهای اپورتونیستی حزب سوسیال دمکرات و مخالفت بوروکراسی اتحادیه‌ای، در ۱۹۰۹ کارگران معادن مانسفیلد حول خواسته‌های رفاهی و حقوق سیاسی کارگران، اعتصابی را آغاز نمودند که ۶ هفته به طول انجامید. این اعتصاب ده هزار نفره که انعکاس گسترده ای در آلمان یافت و مورد حمایت و پشتیبانی عموم کارگران قرار گرفت، آغازگر موج وسیعی از مبارزات کارگری بود. لذا سال ۱۹۱۰ بایک‌رشته اعتصابات در چندین رشته و در شهرهای مختلف آلمان آغاز گردید. از جمله مهمترین این اعتصابات، اعتصاب ۱۶۰۰۰۰ نفره کارگران ساختمان در بهار ۱۹۱۰ بود. اعتصاب مهم دیگر، اعتصاب کارگران کشتی‌سازی بود. در همین سال ۱۰۰۰۰ کارگر رشته‌های مختلف در برلین نیز دست به اعتصاب زدند. اعتصابات مشابه دیگری در برن، برمن و مجدداً در برلین برپا شد. مطالبات عمده کارگران در این اعتصابات، افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار بود. علاوه بر این اعتصابات، یک‌رشته تظاهرات در شهرهای مختلف آلمان بر سر مسئله رفم سیستم انتخاباتی صورت گرفت که صدها هزار کارگر در آن شرکت نمودند و بزرگترین آن تظاهرات ۲۵۰۰۰۰ تن در ۱۰ آوریل ۱۹۱۰ بود. در سالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ نیز اعتصابات و تظاهرات ادامه یافت. در این سالها که با بروز بحران مراکش و جنگ بالکان، خطر یک جنگ جهانی هر لحظه نزدیک میشد، تظاهرات کارگران عمدتاً علیه جنگ بود و برلین مرکز اصلی تظاهرات کارگران آلمانی علیه جنگ محسوب میشد. یکی از مهمترین اعتصابات کارگران آلمانی در ۱۹۱۲، اعتصاب مجدد کارگران معادن روهر برای افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار بود. حدود ۲۵۰۰۰۰ کارگر در این اعتصاب شرکت کردند. تا آغاز جنگ جهانی اول اعتصابات متعدد دیگری در آلمان صورت گرفت. مجموعاً در فاصله ۱۳-۱۹۱۰ اعتصابات در آلمان ۲۰۰ درصد رشد داشت. در بریتانیا نیز برغم بوروکراسی اتحادیه‌ای قدرتمندان که مانعی جدی بر سر راه مبارزات کارگران بود و اغلب با اعتصابات کارگری مخالفت میکرد، در این دوره اعتصابات گسترده ای توسط توده کارگر برپا گردید. اعتصابات کارگران راه آهن نیوکاسل، کشتی‌سازی تاین، فلزبیرمنگهام و اعتصاب معدنکاران ویلز جنوبی که ۱۰ ماه به طول انجامید، در زمره مهمترین اعتصابات سال ۱۹۱۰ بودند. سال ۱۹۱۱ دامنه اعتصابات وسیع‌تر شد. ملوانان، باراندازان و کارگران حمل و نقل، دوبار در این سال دست به اعتصاب زدند و سیستم حمل و نقل و بنادر مختل ساختند. اعتصاب سراسری کارگران راه آهن مهمترین اعتصاب در این سال بود. در پی مداخله نیروهای مسلح برای سرکوب اعتصاب کارگران راه آهن لیورپول، درگیری گسترده ای میان کارگران و نیروهای مسلح پیش آمد. این مبارزه به سنگربندی خیابانی انجامید. در جریان این درگیری دهها کارگر کشته و زخمی شدند. این اقدام سرکوبگرانه و وحشیانه نیروهای مسلح دولتی، خشم کارگران را در مناطق دیگر برانگیخت. اعتصاب به شهرهای دیگر کشید. اتحادیه کارگران راه آهن فراخوان اعتصاب عمومی داد و ۲۳۰۰۰۰ کارگر به اعتصاب پیوستند. در سال ۱۹۱۱، دوماه، همراه با اعتصابات سراسری بود. ۹۰۰۰۰۰ کارگر در این اعتصابات سراسری شرکت کردند. مهمترین رویداد جنبش کارگری بریتانیا در این مقطع، اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ در ۱۹۱۲ بود. کارگران خواهان برپائی اعتصاب بمنظور حداقل دستمزد تضمین شده بودند. رهبران اتحادیه، با توسل به حربه اعتصاب مخالف بودند، معهداً در جریان رای گیری اکثریت بسیار عظیمی از کارگران، یعنی متجاوزاً ۴۴۰ هزار تن به برپائی اعتصاب عمومی رای دادند. لذا اعتصاب آغاز شد و یک میلیون کارگر معادن به اعتصاب پیوستند. گستردگی این اعتصاب منجر به توقف فعالیتهای تولیدی در برخی رشته‌های دیگر از جمله کارخانه های فولاد و آهن گردید. این جنبش عظیم میتوانست، به پیروزی قطعی کارگران بیانجامد. اما رهبران سازشکار اتحادیه مانع ادامه آن شدند و این اعتصاب با کسب امتیازات ناچیز پایان یافت. ایالات متحده آمریکا نیز در این دوره عرصه یک مبارزه طبقاتی حاد بود. در سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ چندین اعتصاب مهم در ایالات متحده بوقوع پیوست. مبارزه کارگران فلزدر ۱۹۰۹ که با برپائی یک اعتصاب خواهان تحقق مطالبات رفاهی خود بودند، به یک رویداد عظیم میان کارگران و سرمایه داران تبدیل شد. در نتیجه دخالت نیروهای مسلح برای درهم شکستن اعتصاب ۱۳ تن از کارگران کشته و ۵۰ تن زخمی شدند، معهداً کارگران به اعتصاب تا پیروزی ادامه دادند. (۱۰۲) یکی دیگر از اعتصابات مهم سال ۱۹۰۹، مقاومت ۱۴ ماهه کارگران فولاد در برابر زورگویی سرمایه داران در زمینه کاهش دستمزدها و انجام

اقداماتی علیه اتحادیه کارگران بود. هر چند که مقاومت کارگران در هم شکست، اما روحیه مبارزاتی را در جنبش کارگری ایالات متحده بالا برد. اعتصابات ۱۹۱۰ اغلب با پیروزی پایان یافتند که مهمترین آنها اعتصاب گسترده کارگران کارخانه های لباس دوزی در نیویورک بود. اعتصابات گسترده تری در ۱۹۱۱ به وقوع پیوستند که برجسته ترین آنها اعتصابات کارگران راه آهن در شیکاگو و ایلی نویز بود. در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۳ معدنکاران ویرجینیای غربی دست به یک اعتصاب طولانی زدند. کارگران معادن ویرجینیای غربی خواهان برسمیت شناختن اتحادیه خود و کسب مزایائی بودند که کارگران معادن در مناطق دیگر بدست آورده بودند. از جمله اعتصابات دیگر، اعتصاب کارخانه های لاستیک سازی اوهایو و اعتصاب کارگران بافنده لورنس در ۱۹۱۲ بود. اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر بافنده دوماه به درازا کشید. این اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و دستمزد کارگران افزایش یافت. افزایش دستمزد کارگران لورنس، باعث شد که دستمزد کارگران نساجی نیوانگلند نیز افزایش یابد. یکی از طولانی ترین اعتصابات کارگران آمریکائی در ۱۹۱۳ اعتصاب کارگران پاترسون بود که ۲۲ هفته ادامه داشت و تقریباً تمام کارگران شهر که تعداد آنها به ۲۵۰۰۰ می‌رسید در آن شرکت داشتند. کارگران در جریان این اعتصاب، یک کمیته اعتصاب ۳۰۰ نفره و یک کمیته اجرائی ۱۵ تا ۲۰ نفره تشکیل داده بودند. طولانی شدن بیش از حد این اعتصاب، کارگران را از پای در آورد و این اعتصاب به شکست انجامید. مهمترین رویداد جنبش کارگری آمریکا در این دوره اعتصاب ۹۰۰۰ کارگر معادن کلرادو در ۱۹۱۴ بود که ۱۵ ماه ادامه داشت. در جریان اعتصاب، سرمایه داران کارگران را از خانه هایشان بیرون راندند. کارگران معادن با زدن چادرهای در همان منطقه به مبارزه خود ادامه دادند. اقدامات متعدد دولت و سرمایه داران برای پایان بخشیدن به اعتصاب کارساز نیافتاد. نیروهای مسلح برای فرونشاندن اعتصاب گسیل شدند. آنها کارگران را به گلوله بستند و تعدادی را به قتل رساندند. کارگران معادن نیز متقابلاً دست به اسلحه بردند. تمام منطقه را با چندین دهکده به تصرف خود درآوردند و تاسیسات معادن را نیز به آتش کشیدند. درگیری مسلحانه میان کارگران و نیروهای دولتی ۱۰ روز ادامه داشت. کارگران پس از ۱۰ روز تسلیم شدند.

مبارزه طبقاتی کارگران در فرانسه نیز با جدت تمام ادامه داشت. اعتصاب عمومی کارگران راه آهن به منظور افزایش دستمزد و برخی مطالبات دیگر که یک هفته به طول انجامید، اعتصاب ۵۰۰۰۰ تن از کارگران ساختمان بخاطر ۸ ساعت کار روزانه، اعتصاب معدنچیان، اعتصاب ملوانان و باراندازان ماری، اعتصاب کارگران ماشین سازی رنو که ۶ هفته ادامه داشت، اعتصاب عمومی کارگران فلز ماری و تظاهرات صدها هزار کارگر در ۱۹۱۲ علیه جنگ و محدودیتهائی که دولت در مورد اعتصابات و تظاهرات ایجاد کرده بود، نمونه های برجسته مبارزات کارگران فرانسوی در این دوره بودند.

در دیگر کشورهای اروپائی از جمله در ایتالیا، اتریش - مجارستان، اسپانیا، بلژیک و دیگر کشورها در همین دوره صدها اعتصاب و تظاهرات رخ داد. اما حادثه ترین نبرد طبقاتی این دوران در روسیه در جریان بود. پس از شکست انقلاب ۷-۱۹۰۵، جنبش کارگری روسیه بایک افت کوتاه مدت روپرو بود که تنها تا ۱۹۱۰ ادامه داشت. از ۱۹۱۰ مجدداً جنبش کارگری روسیه اعتلا یافت و در مدتی کوتاه اعتصابات گسترده ای سراسر روسیه را فراگرفت. در ۱۹۱۱ اعتصابات کارگری در مقایسه با سال قبل از آن به دو برابر افزایش یافتند. اعتصاب کارگران معادن طلای لنا در ۱۹۱۲ در مرحله جدیدی در این اعتلا جنبش بود. مداخله نیروهای سرکوب و دستگیری تعدادی از کارگران برای سرکوب اعتصاب، منجر به تظاهرات کارگران معادن طلای لنا برای آزادی دستگیرشدگان شد. نیروهای مسلح با وحشی گری تمام کارگران را به گلوله بستند. ۲۷۰ کارگر کشته و ۲۵۰ تن زخمی شدند. موج اعتراض به این ددمنشی سراسر روسیه را فراگرفت. لذا در آوریل ۱۹۱۲، ۷۰۰ اعتصاب سیاسی صورت گرفت. در این سال متجاوز از یک میلیون کارگر در اعتصابات شرکت کردند. در چندین شهر مهم روسیه از جمله مسکو و سن پترزبورگ تظاهراتی برپا گردید. کارگران به شکلی گسترده تر به اعتصاب روی می آوردند. در سال ۱۹۱۳ بیش از دو میلیون کارگر در اعتصابات شرکت کردند. اهمیت این اعتصابات بویژه در این بود که ۶۰ درصد آنها را اعتصابات سیاسی تشکیل میدادند. در اوائل ۱۹۱۴، این رقم به ۸۰ درصد رسید.

وسعت و گستردگی اعتصابات در عموم کشورهای سرمایه داری به درازا کشیدن اعتصابات حتی به مدت چند ماه، رشد اعتصابات سیاسی، تظاهرات و درگیری های خیابانی و آکسیونهای کارگران علیه جنگ همگی بیانگر این واقعیت بود که جنبش بین المللی طبقه کارگر به مرحله ای از رشد و اعتلا خود رسیده که میتواند به نبردی قطعی و تعیین کننده با بورژوازی و نظم موجود برخیزد. اما با آغاز جنگ جهانی اول تداوم این اعتلا متوقف گردید، مبارزه طبقه کارگر افت کرد و جنبش بین المللی طبقه کارگر با یک عقب نشینی روپرو گردید. عامل اصلی این عقب نشینی و افت مبارزات کارگری، اغلب احزاب سوسیال دمکرات و رهبران اتحادیه های کارگری بودند که

هریک با توجهات خاص خود، به دفاع و حمایت از بورژوازی کشور خود برخاستند. در اس این خیاختکاران به طبقه کارگر، حزب سوسیال دمکرات آلمان و رهبران اتحادیه های کارگری این کشور قرارداد شدند. آنها به اعتبارات جنگی رای دادند و آمادگی خود را برای دفاع از میهن اعلام نمودند. پس از آلمان، احزاب سوسیالیست و رهبران اتحادیه های کارگری تعداد دیگری از کشورهای نظیر بریتانیا، فرانسه، اتریش، ایالات متحده و چند کشور دیگر همین سیاست را پیش بردند. این موج دفاع طلبی و میهن پرستی بورژوازی چنان شدید بود که ث.ژ.ت. فرانسه نیز به موضع دفاع از میهن در غلطید. تنها تعداد بسیار محدودی از تشکلهای سیاسی و صنفی طبقه کارگر در برخی کشورهای نظیر روسیه و بلغارستان، بر مواضع انقلابی، مارکسیستی و انترناسیونالیستی خود پابرجا ماندند. روشن است که وقتی تعداد اعضای اتحادیه های تحت رهبری احزاب سوسیالیست سرب ۱۰ میلیون میزد و جنبش تعاونی تحت رهبری آنها نیز حدودا به ۹ میلیون میرسید، مواضع شونیستی دفاع از میهن چه تاثیر مخربی میتوانست بر جنبش طبقه کارگر و مبارزه آن برای بجای بگذارد. اما علاوه بر این سیاست که به تقویت تبلیغات شونیستی بورژوازی در میان کارگران مدد میرساند، آگاهی آنها را زائل میساخت، روحیه مبارزاتی را در میان کارگران از بین میبرد و به بی سازمانی و پراکندگی در میان کارگران دامن میزد، عوامل دیگری نیز در این افت مبارزات کارگران در آغاز جنگ موثر بودند، بخش قابل ملاحظه ای از کارگران به جبهه های جنگ گسیل شدند و جای آنها را زنان و جوانان می گرفتند که از تجربه و آگاهی طبقاتی برخوردار نبودند. محدودیتهای که در مورد برپایی اعتصابات، تظاهرات، فعالیتهای اتحادیه ای نیز ایجاد شده بود، تاثیرات منفی خود را بر جای میگذاشت. تبلیغات گسترده شونیستی بورژوازی هم که در نخستین ماههای جنگ تاثیر زیادی داشت. بنابراین در آغاز جنگ مبارزات کارگران شدیداً افت کرد. اما این رکود مدت زیادی دوام نیاورد. از ۱۹۱۵ موج شونیسم فرونشست. فشارهای مختلفی که جنگ به کارگران تحمیل می کرد، تنزل شدید سطح معیشت کارگران، فقر و گرسنگی، طولانی شدن ساعات کار، تورم و افزایش قیمتها، فشارهای سیاسی و گسیل اجباری کارگران به جبهه های جنگ، ویرانی و فجایع دهشتناک، و دهها مصیبت دیگری که جنگ به بار آورده بود، احساسات ضد جنگ را مجدداً در میان کارگران تقویت نمود و آنها را به حرکت در آورد. گرایش چپ جنبش کارگری قدرت بیشتری پیدا کرد و آغاز به سازماندهی اعتصابات و تظاهرات ضد جنگ نمود. در فرانسه تعدادی از اتحادیه های وابسته به ث.ژ.ت. مشی مبارزه جویانه ای علیه دولت و جنگ اتخاذ نمودند. در سال ۱۹۱۶ چندین اعتصاب در کارخانه های مختلف سازماندهی شد. در آلمان گروه انترناسیونالیستهای سوسیال دمکرات موسوم به اسپارتاکیست تحت رهبری روزالوکزامبورگ و لیبکنشت، سازماندهی اعتصابات و تظاهرات را آغاز نمودند. تظاهرات زنان در برابر رایشتاگ و در درسدن، تظاهرات ده هزار نفری ۲۰ نوامبر در برابر رایشتاگ در ۱۹۱۵، گردهم آئی ده هزار نفری برلین با شعار مرگ بر جنگ و مرگ بر حکومت در ۱۹۱۶، نخستین اقدامات جناح چپ کارگری آلمان پس از آغاز جنگ بود. در ۱۹۱۶ دهها اعتصاب کارگری نیز در آلمان به وقوع پیوست. در ایتالیا که از همان آغاز جنگ، دهها هزار کارگر با شعار جنگ نه، ما کار و نان می خواهیم، تظاهرات و اعتصابات خود را آغاز نموده بودند، این مبارزات در سالهای بعد گسترش بیشتری یافت و در ۱۹۱۵ صدها اعتصاب برپا گردید. در روسیه نیز اعتصابات کارگران در ۱۹۱۶ به سطح بالائی رسید و در ۱۹۱۶، ۱۴۱۰ مورد اعتصاب در روسیه صورت گرفت که ... ۱۰۸۶ کارگر در آن شرکت کردند و ۲۴۲ مورد آن اعتصاب سیاسی بود. (۱۰۲)

در جریان این اعتصابات اروپائی، کارگران، کمیته های کارخانه را تشکیل دادند که یک تشکل انقلابی در نقطه تولید بود. این کمیته ها در ایتالیا و انگلستان و بعداً روسیه پدید آمدند. این اعتلا مجدداً جنبش کارگری حاکی از این واقعیت بود که کارگران از جنگ و طبقه حاکم در کشورهای سرمایه داری نفرت دارند و شرایط عینی برای سرنگونی بورژوازی فراهم است.

تحولات جنبش اتحادیه ای

به موازات رشد و اعتلا مبارزات کارگران در کشورهای سرمایه داری در دوره قبل از جنگ جهانی اول، اتحادیه های کارگران نیز وسیعاً رشد کردند، این رشد اتحادیه ها چنان سریع بود که به عنوان نمونه اعضا اتحادیه کارگران معدن در بریتانیا در طول یکسال، از ۱۶۰۰۰۰ به ۹۰۰۰۰۰ افزایش یافت و تعداد اعضا توک در فاصله ۱۵ - ۱۹۱۰ از ۱۷۴۷۱۵ به ۲۶۸۲۳۵۷ رسید. (۱۰۴)

در طول ۷ سال قبل از جنگ بر تعداد اعضا اتحادیه ها ۵ تا ۷ میلیون افزوده شد و در ۱۹۱۴ به ۱۴ تا ۱۶ میلیون رسید. (۱۰۵) این رشد کمی اتحادیه ها، تنها محصول رشد اعتلا مبارزات کارگران و ارتقا سطح آگاهی آنها نبود بلکه نتیجه تغییراتی بود که در ترکیب و ساختار اتحادیه ها پدید آمد. کارگران نیمه ماهر و حتی غیر ماهر، کارگران بخش های خدمات و کشاورزی و وسیعاً به اتحادیه ها پیوستند. تدریجاً ساختار اتحادیه ها نیز تغییر کرده بود و تعدادی از اتحادیه های صنعتی شکل گرفته بودند که از ساختار اتحادیه های صنفی کلا متمایز بودند. بخش اعظم اتحادیه های که تا این زمان شکل گرفته بودند، تحت نفوذ احزاب سوسیالیست قرار داشتند و رهبری اکثر آنها در اختیار بوروکراسی اتحادیه ای بود. سیاستهای راست روانه و سازشکارانه اتحادیه های تحت نفوذ احزاب سوسیال دمکرات، به نحو روز افزونی

در ایتالیا جنبش انارکوسندیکالیست تا آن حد رشد کرده و قدرت گرفته بود که در ۱۹۰۸ در پارما یک اعتصاب عمومی برپا کرد و بعداً اعتصابات متعددی را رهبری نمود. در اسپانیا، پرتغال و هلند نیز اتحادیه های انارکوسندیکالیست در این سالها رشد کردند. اما جنبش انارکوسندیکالیستی در انگلیس و آمریکا نیز ریشه دواند. در ایالات متحده تشکلات اتحادیه ای موسوم به کارگران صنعتی جهان، حامل خط مشی انارکوسندیکالیستی بود که در برابر فدراسیون آمریکائی کار تحت رهبری گومپرز، جناح چپ جنبش کارگری را تشکیل میداد. تشکلات کارگران صنعتی جهان در سالهای قبل از جنگ چندین اعتصاب بزرگ را در آمریکا سازمان داد و آنها را رهبری نمود. اما علاوه بر اتحادیه های وابسته به احزاب سوسیالیست و انارکوسندیکالیسم، تعداد محدودی از کارگران در اتحادیه های مسیحی متشکل شده بود که از سازش کارگر و سرمایه دار دفاع میکردند. تعداد اعضا آنها تا آستانه جنگ کمی بیش از نیم میلیون بود.

سازمانهای اتحادیه ای بین المللی طبقه کارگر هم در این دوره پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشتند، تعداد دبیرخانه های بین المللی حرفه ای که قبلاً به آنها اشاره کردیم، رشد نمود و تا آغاز جنگ جهانی به ۲۲ دبیرخانه رسید. بزرگترین این دبیرخانه ها، متعلق به کارگران معادن، حمل و نقل، فلز و ساختمان بود. دبیرخانه بین المللی اتحادیه ها تا ۱۹۱۳، ۱۹ مرکز ملی کار را با حدود ۷ میلیون عضو در بر میگرفت. (۱۰۷)

در اینجا نیز جناح راست جنبش کارگری رهبری لژین، سرکرده بوروکراتهای اتحادیه ای آلمان رهبری را در اختیار داشت. این جناح مانع از آن بود که این تشکلات، به یک سازمان بین المللی اتحادیه ای تصمیم گیرنده تبدیل شود. برخی اتحادیه ها از این ایده دفاع میکردند که دبیرخانه بین المللی باید نام خود را تغییر دهد، و به یک انترناسیونال اتحادیه ها تبدیل شود. جناح راست به شدت با این امر مخالف بود، و ادعا میکرد که تصمیم گیری در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی مهم بر عهده انترناسیونال سوسیالیست و احزاب سوسیال دمکرات است. سرانجام پس از بحثهای مداوم، در کنفرانس زوریخ دبیرخانه بین المللی مراکز ملی اتحادیه ای، نام آن به فدراسیون بین المللی اتحادیه ها تغییر یافت، بدون این که در ماهیت و مضمون و وظائفش تغییری صورت بگیرد. فدراسیون بین المللی اتحادیه ها، در جریان جنگ و دفاع اغلب احزاب سوسیالیست و رهبران اتحادیه ها از دولت خودی، عملاً به سه بخش با سه مرکز در برلین، فرانسه و آمستردام تقسیم گردید.

ادامه دارد

منابع:
 ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶ - تاریخ مختصر جنبش جهانی اتحادیه ای، ویلیام فاستر
 ۱۰۳، فاکتها و آمارهایی که در این بخش آمده اند، از جلد سوم جنبش بین المللی طبقه کارگر نقل شده است.
 ۱۰۵، ۱۰۷ - جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد سوم

چگونه میتوان از تعرض سرمایه داران به تعرض کارگران گذار نمود؟

حقوق کارگران نموده‌اند، با این همه ما امروز شاهد اجحاف دیگری در حق کارگران و شاهد این پدیده هم هستیم که سرمایه داران از پرداخت به موقع دستمزد کارگران هم طفره می روند به نحوی که بسیاری از کارگران حتی برای دریافت دستمزدهای خویش ولو با چند ماه تاخیر هم بایستی دست به اعتراض و مبارزه بزنند. عدم پرداخت به موقع دستمزدها به روش عمومی سرمایه داران که در ضمن از حمایت و پشتیبانی دولت هم برخوردارند، تبدیل می شود. اخبار مربوط به جنبش و مبارزات کارگری که بخشادرنشریه کارهم به چاپ میرسند، حاکی از همین مسئله وحاکمی از ادامه تعرض آشکار سرمایه‌داران علیه کارگران است. این اخبار نشانگر آن است که سرمایه داران و کارفرمایان زیر چتر حمایتی دولت، در سطح بسیار وسیع و گسترده‌ای از پرداخت به موقع دستمزدها خودداری میکنند و از این مسئله نیز به مثابه حربه‌ای علیه کارگران و برای تشدید فشار بر آنان استفاده مینمایند. برخی از این سرمایه داران سه ماه، برخی دیگر ۹ ماه، برخی تا ۱۲ و گاه ۱۴ ماه حقوق کارگران را نپرداخته‌اند، گاه در پاسخ به اعتراض کارگران به عدم پرداخت بموقع حقوق و مزایای خود، آنان را تهدید به اخراج هم کرده‌اند!

هم اکنون طبقه کارگر ایران از همه سو تحت فشار قرار دارد و یکی از دشوارترین دوران‌های حیات خویش را می گذراند. بیکارسازی‌های وسیع زیر سایه دولت آقای خاتمی صدها هزار کارگر را به صف میلیونی بیکاران اضافه کرده‌است. این جمعیت انبوه و میلیونی از ابتدائی‌ترین تأمینات اجتماعی و از حق بیمه بیکاری محروم‌اند. کارگران مشغول به کار نیز مطلقاً فاقد امنیت شغلی‌اند و شیخ بیکاری و اخراج برفراز سر آنها دائماً در گشت و گذار است. حقوق و مزایای کارگران را نیز هر روز به بهانه‌ای میزنند و به موقع نمی پردازند. تعرض همه جانبه سرمایه داران و دولت حامی آنها، قبل از هر چیز سطح زندگی و معیشت کارگران و خانواده‌های کارگری را به میزان وحشتناکی تنزل داده‌است. افزایش حداقل دستمزدهای اسمی، امسال نیز همچون سال‌های گذشته بسیار اندک بود و هیچگونه تناسبی با نرخ رشد تورم نداشت. دستمزد روزانه از ۱۰۰۵۱ ریال به ۱۲۰۶۱ ریال رسید (ماهانه ۳۷۸۳۰ تومان) یعنی حدود ۲۰ درصد افزایش یافت، در حالیکه نرخ تورم بسیار بیشتر از این رقم بوده‌است. معنای عملی این افزایش دستمزد این است که دستمزدهای واقعی باز هم کاهش یافته‌است. بنا به اعتراف روزنامه‌های رژیم، به دنبال افزایش بهای کالاها و خدمات دولتی، از جمله افزایش ۷۵ درصدی قیمت بنزین، قیمت سایر کالاها و مایحتاج عمومی نیز بطور سرسام آوری افزایش یافته‌است. برای نمونه، کرایه‌ها از ۳۰ تا ۵۰ درصد، گوشت و قند و شکر از ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته‌است. روزنامه کار و کارگر مورخ ۲۳ فروردین در همان حال که به افزایش سرسام آور قیمت‌ها در ظرف یکی دو ماه سال جدید اعتراف می کند، می نویسد نرخ گوشت قرمز، مرغ، روغن، قند، شکر، کرایه، میوه و سبزیجات، از ۲۰ تا ۵۰ درصد و اجاره خانه بیش از ۴۰ درصد افزایش

کارفرما و نه دولت آنها در مقابل کارگران اخراجی و بیکاران احساس مسئولیت نمیکند و پاسخگویی مشکلات آنها نیست. بدیهی‌است که کارگران اخراجی نسبت به این اقدامات معترض و، اکثراً خواهان بازگشت به کار بوده‌اند و سواً اقدامات جمعی و اعتراضی خود از قبیل تظاهرات و برپائی تجمعات در برابر کارخانه‌ها و موسسات دولتی، این خواست خود را در اعلام شکایت به هیئت‌های به اصطلاح تشخیصی و حل اختلاف اداره کار نیز انعکاس داده‌اند. با این همه گرهی از معضل انبوه بی‌شمار اخراج شدگان و بیکاران گشوده نشده‌است. نه کاری به آنان واکذار شده‌است و نه حق و حقوقی برای اداره زندگی کارگران و اعضا خانواده آنها در نظر گرفته شده‌است. انبوه کارگران اخراجی و بیکار شده که سالیان سال از بهترین دوران زندگی خود را برای سرمایه داران و دولت آنها مایه گذاشته و عمر و جوانی خود را در راه فربه شدن آنان هزینه کرده‌اند، به قربانگاه نظام ضدانسانی سرمایه‌داری فرستاده شده‌اند. این کارگران در همان حال که از حداقل تأمینات اجتماعی و استانداردهای بین‌المللی درمورد حق استفاده از بیمه بیکاری در چارچوب همین نظام محروم بوده‌اند، با خشونت و بیرحمی در رژیم جمهوری اسلامی سرکوب و به قعر نگون بختی و تباهی سوق داده شده‌اند.

از همین چماق اخراج و بیکار سازی است که کار فرمایان برای تشدید استثمار کارگران شاغل نیز سود جسته‌اند. هم اکنون بسیاری از واحدهای تولیدی تق و لقانند و بصورت نیمه تعطیل درآمد دارند. کارفرمایان و سرمایه داران به بهانه‌های مختلفی بر سر راه روند تولید در این واحدها، به منظور بهره برداری هرچه بیشتر از شرایط بحرانی موجود به نفع خود، مانع تراشی می کنند و کارگران را در حالت بی‌تکلیفی نگاه داشته‌اند. آنان می خواهند به نحوی از انحاء بر سابقه کار و مزایای کارگران خط بطلان بکشند و در بسیاری از واحدهای تولیدی همین کار را هم کرده‌اند. کارفرما ابتدا کارخانه را بصورت نیمه تعطیل در می آورد، بعد، از تعطیلی کامل آن صحبت میکند و همزمان یا کارگران را به هر تعداد که بتواند اخراج می کند و یا آنان را مجبور می کند که اگر خواهان ادامه کار هستند مقدمات خودشان را باز خرید کنند. سپس با امضای قراردادهای موقت دوباره آنان را به استخدام خود درمی آورد و بدین طریق نه فقط کارگران را از حقوق و مزایای قبلی‌شان محروم می سازد، بلکه این بار دستش در اخراج کارگران بسیار بازتر از گذشته‌است و هر آینه می تواند حکم به اخراج آنها بدهد.

در پرتو همین سیاست‌های عمیقاً ضد کارگری کارفرمایان و حمایت دولت از آنهاست که هرروزه ناظر اخراج و بی‌تکلیفی شمار زیادی از کارگران در گوشه و کنار کشور و شاهد اجحافات بی حد و اندازه نسبت به عموم کارگران می باشیم. معهذاً سرمایه داران به این حدود از تعرض و اجحاف در حق کارگران اکتفا نکرده‌اند. با وجود توقف کامل برخی واحدهای تولیدی و اخراج‌های جمعی و وسیع که حاصلش تشدید فشار کار و استثمار طبقه کارگر و کند کردن جنبش مطالباتی آن بوده‌است، با وجود نیمه تعطیلی پاره‌ای دیگر از موسسات تولیدی و استفاده از چماق اخراج که کارگران این واحدها را مدت‌ها در بی‌تکلیفی و سرگردانی نگاه داشته‌اند و سرانجام آنان را بخشاً اخراج و یا مجبور به باز خرید و امضای قرارداد موقت نموده‌اند یعنی که مزایای کارگران را زده‌اند و اقدام به نقض مکرر

یافته‌است. واقعیت قضیه آنست که جمهوری اسلامی فشارهای سنگین و کم‌رشدگی را برگرداند کارگران تحصیل نموده‌است. سرمایه داران و کارفرمایان برای عقب راندن کارگران و تشدید فشار بر آنها، به حداکثر ممکن از شرایط بحرانی موجود به نفع خود بهره برداری نموده و استثمار کارگران را تشدید نموده‌اند. با اینهمه کارگران در برابر این تعرضات و زورگویی سرمایه‌داران ساکت ننشسته و علیرغم دشواریهای موجود دست به مبارزه و مقاومت زده‌اند. اخبار مبارزات کارگری ولو در همان محدوده‌ای که خبر گزاریهایی و روزنامه‌های رژیم آنرا انعکاس میدهند، به روشنی از این مسئله حکایت دارد که جمهوری اسلامی برغم تمامی فشارهایی که بر کارگران تحمیل نموده و برغم تمامی موانع و محدودیت‌هایی که بر سر راه مبارزه آنها ایجاد نموده، نه فقط نتوانسته‌است سدی در برابر جنبش مبارزاتی کارگران ایجاد نماید، بلکه اعتراضات مکرر و گسترش یافته کارگران در شکل اعتصابات، تجمعات اعتراضی، راه پیمائی، تظاهرات و سایر اشکال مبارزه کارگری از رشد کمی قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار شده‌است.

مطابق همین اخبار محدود که یقیناً همه اعتراضات کارگری را در بر نمی گیرد، در همین فاصله دو سه ماهه اخیر، هزاران کارگر اخراجی دست به اعتراض زده و از جمله با تجمع در برابر کارخانه‌ها و موسسات دولتی، خواهان بازگشت به کار شده‌اند که برای نمونه میتوان از تجمع اعتراضی کارگران شرکت لوازم خانگی ساوه در برابر این کارخانه، تجمع اعتراضی کارگران ساختمان سازی دولت آباد در شهرستان ری، تجمع اعتراضی کارگران آجر ماشینی ارومیه و بالاخره تظاهرات و تجمع اعتراضی ۲۴۰۰ کارگر نساجی مازندران در قائم شهر در برابر کارخانه یاد نمود.

فراوانی اعتراضات کارگری به منظور پرداخت حقوق و مزایای معوقه و یا پرداخت به موقع دستمزدها، از این هم بیشتر است. که از آن جمله می توان به اعتراضات و تجمعات مکرر کارگران نخکار هم در برابر کارخانه و هم در برابر ادارات دولتی، تجمع اعتراضی کارگران اجاق سازی جواهریان، تجمع اعتراضی کارگران شرکت کیان چرخ خرم دره در خانه کارگران شهرستان، تجمع اعتراضی کارگران شرکت ضایعات فلزی (واقع در شهریار) در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران، تجمع اعتراضی کارگران شرکت فراورده‌های ساختمانی در برابر بانک صنعت و معدن، تجمع اعتراضی کارگران یک شرکت خدماتی در تبریز در محل بیمارستان رازی، اعتراض کارگران نساجی پارس ایران در رشت و امثال آن اشاره نمود.

گسترش مبارزات کارگری گرچه تا اندازه بسیار محدودی توانسته‌است بر سر راه پیش روی سرمایه داران مانع ایجاد کند و بویژه یک رشته مطالبات جاری کارگران را از جمله توقف اخراجها، بازگشت بکار، حق بیمه بیکاری، پرداخت حقوقهای معوقه، پرداخت به موقع حقوقها، افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم، اجرای قرار دادهای دسته جمعی و امثال آن را در سطح وسیعی بمیان بکشد اما هنوز نتوانسته‌است سرمایه داران را بویژه در مقیاس تمام کشور به عقب نشینی وادار کند. چرا که اولاً این مبارزات اعتراضی برغم آنکه بدرجات معینی از یک نوع سازماندهی برخوردار و مستقل

ابعاد فاجعه بار

حوادث ناشی از کار

آماري که اخيرا در مورد حوادث ناشی از کار در ایران انتشار یافته، تکان دهنده است. روزنامه های رژیم خبر دادند که سالانه ۱۰ هزار نفر بر اثر حوادث مختلف در کارگاههای کشور جان خود را از دست میدهند و هر سال بیش از ۱۵۰ هزار حادثه خطرناک برای کارگران اتفاق می افتد. این ارقام هر چند که تا همین حد نیز تکان دهنده اند، اما بیانگر تمام واقعیت نیستند. در حقیقت هر سال چند صد هزار نفر از کارگران ایران به نحوی از انحاء با حوادث و سوانح ناشی از کار روبرو میشوند. ارقام اعلام شده دربرگیرنده تنها بخشی از حوادثی که در کارگاههای کوچک یا بخشهایی از فعالیتهای خدماتی و ساختمانی به وقوع پیوسته نمیشوند. علاوه بر این رقم ۱۵۰ هزار دربرگیرنده حوادث خطرناک است و دهها هزار حادثه ظاهرا غیر خطرناکرا شامل نمیشود. از این رو آمار حوادث و سوانح ناشی از کار در ایران بسی فراتر از آن چیزی است که رسماً اعلام میشود. معیناً همین آمار و ارقام رسمی عمق فاجعه و ستمی را که بر کارگران ایران اعمال میشود، نشان میدهند. وقتی که ابعاد گسترده حوادث ناشی از کار تا بدان حد است که اعلام میکنند در هر سال ۱۰ هزار کارگر بر اثر حوادث مختلف جان خود را از دست می دهند، و هر سال بیش از ۱۵۰ هزار حادثه خطرناک برای کارگران در کارگاهها اتفاق می افتد، آشکارا نشان میدهند که کارگران ایران با اسفبارترین شرایط در محیط کار روبرو هستند و هیچ ضابطه و حساب و کتابی در زمینه ایمنی محیط کار و حفاظت از سلامتی کارگر وجود ندارد. آنچه که حاکم است، حرص و آز سوداندوزی بی حساب و کتاب سرمایه داران است. آمار حوادث ناشی از کار در ایران از آن رو اینچنین بالاست که سرمایه دار زالو صفت برای افزایش سود خود از اختصاص هزینه برای ایمن سازی محیط کار، سرباز میزند. بالنتیجه با کاهش هزینه تولید، سود خود را افزایش میدهد، اما کارگران با حوادث متعدد ناشی از کار روبرو میشوند، صدمات شدید می بینند و حتی جان خود را از دست میدهند. حتی کارگرانی که صدمه می بینند و یا جان خود را از دست میدهند، هیچ هزینه ای برای سرمایه دار ندارند. سرمایه دار، کارگر سالم دیگری را به جای آنها استخدام میکند و به جنایات خود ادامه میدهد. در حالی که سرمایه دار همچنان به جنایات خود ادامه میدهد، هیچ کنترل و نظارت اندک جدی هم از سوی دولت اعمال نمیشود. این هم از آن روست که

چرا پرونده قتل ها مسکوت مانده است ؟

۵ ماه از کشتار وحشیانه تعدادی از مخالفین سیاسی رژیم و نویسندگان آزادی خواه توسط مامورین دستگاه امنیتی رژیم جمهوری اسلامی گذشت. برغم این که رژیم زیر فشار مبارزه و اعتراض مردم ایران ناگزیر شد بپذیرد که این آدم کشی های وحشیانه توسط نیروهای وزارت اطلاعات انجام گرفته است، اما تا به امروز هیچ گونه اطلاعات دقیقی در مورد عاملین اجرائی قتل ها و تصمیم گیرندگان اصلی آن در اختیار مردم گذاشته نشده است. کمیسیونی که قرار بود مسئله را پیگیری کند و در اسرع وقت نتیجه تحقیقات رابه اطلاع مردم برساند، در چند ماه گذشته هیچ اطلاعی جدیدی صادر نکرده و سکوت کامل اختیار کرده است. سران دستگاه قضائی رژیم، هر چند وقت یکبار برای آرام کردن مردم، وعده میدهند که در آینده نزدیک، مسببین قتلها محاکمه خواهند شد. اما از قرار معلوم، هدف رژیم فریب مردم است، و میخواهد با گذشت زمان سروه قضیه را بی سرو صدا بهم آورد. محمد نیازی، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی در سخنرانی اخیر خود در سمنان دیگر وعده چند روز و چند ماه را برای رسیدگی به این پرونده نداد و گفت: " زمان اتمام رسیدگی به این پرونده مشکل است. ولی انشالله تا پایان سال به نتیجه خواهد رسید." این اظهارات نشان میدهد که سران حکومت اسلامی نه تنها حاضر نیستند اطلاعاتی در مورد قتل های اخیر در اختیار مردم بگذارند، بلکه میکوشند با به تعویق انداختن محاکمه قاتلین، اصلاً خود پرونده را مشمول مرور زمان کنند. نیازی ادعا کرد که "هیچ تغییری در رسیدگی به پرونده قتل های مشکوک حاصل نشده و این پرونده با قدرت و قاطعیت و همان کادر در حال پیگیری است." وی در همین حال ادعا کرد که "در مسیر رسیدگی به این قتلها تا کنون کلیه عوامل و مباشرین و اکثر طراحان آن شناسائی شده اند." اگر برطبق این ادعا "کلیه عوامل و مباشرین و اکثر طراحان آن شناسائی شده اند"، پس چرا آنها را به مردم معرفی نمی کنید؟ چرا هنوز از دستگیری ۵ تن صحبت می شود؟ و چرا اعلام می شود که " زمان اتمام رسیدگی به این پرونده مشکل است." رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت

اسلامی پس از گذشت ۵ ماه از این قتل ها معضل رسیدگی به پرونده را ناروشنی انگیزه این افراد ذکر کرد. رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح با این اظهارات البته خود را فریب می دهد و نه مردم ایران را. چرا که مردم ایران حتی پیش از آن که رژیم ناگزیر به اعتراف شود که دستگاه امنیتی اش این قتل ها را سازماندهی کرده است، از عاملین، اهداف و انگیزه های آنها آگاه بوده اند. دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی، حرفه اش کشتار و سرکوب مردم ایران بوده و هست. مامورین این دستگاه تا به امروز دهها هزار تن از مردم ایران را کشتار کرده اند، زیر شکنجه به قتل رسانده اند، تیر باران کرده اند. به دار آویخته اند، یا در خیابانها و منازلشان ترور کرده اند. جرم همه آنها نیز مخالفت با جمهوری اسلامی بوده است. انگیزه مامورین وزارت اطلاعات در جریان قتلهای اخیر نیز چیز دیگری جز سرکوب هرگونه اعتراض و مخالفت علیه حکومت اسلامی نبوده است. این وحشی گری یک روی داد استثنائی و اتفاقی در دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی نیست که تعجب کسی را برانگیزد و به دنبال انگیزه عاملین آن بگردد، این قاعده و شیوه عمل همیشگی وزارت اطلاعات بوده است.

رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی، در پایان سخنرانی خود باز هم همان اراجیف سران حکومت اسلامی و از جمله خامنه ای و رفسنجانی را در چندماه پیش مجدداً تکرار کرد و ادعا کرد "قرائن به دست آمده نشان میدهد که این کار با هدایت بیگانگان انجام شده است." تکرار این اراجیف پس از گذشت چندماه از اعتراف سران رژیم به سازماندهی و اجرای قتل ها توسط وزارت اطلاعات، بیان چیز دیگری جز این نیست که رژیم میخواهد بهر شکل ممکن سازمان ضد انسانی امنیتی خود و ماموران جنایتکارش را تبرئه کند. اما مردم حکم محکومیت خود را نه تنها در مورد این دستگاه کشتار حکومت اسلامی بلکه سران حکومت که تصمیم گیرنده اصلی این دستگاه هستند صادر کرده و در موقع مناسب نیز این حکم را به مرحله اجرا خواهند گذاشت.

در ایران رژیمی حاکم است که با اختناق و سرکوب حکومت میکند. آزادی را از کارگران و زحمتکشان سلب نموده و حق تشکل را از آنها گرفته است. اگر کارگران متشکل بودند، اگر تشکلهای صنفی و سیاسی قدرتمندی داشتند، اگر از این آزادی برخوردار بودند که حرف خود را بزنند، نه سرمایه دار جرات داشت که این چنین بی پروا کارگران را کشتار کند، و نه دولت این چنین گستاخانه میتوانست برای جنایات صحنه بگذارد و یا آنها را نادیده انگارد. البته تا زمانی که نظام سرمایه داری پایرجاست،

تا زمانی که سود و سرمایه حاکمیت دارند، کارگران پیوسته با حوادث و سوانح ناشی از کار روبرو خواهند بود، اما کارگران هنگامی که تشکلهای صنفی و سیاسی قدرتمندی داشته باشند، میتوانند سرمایه دار و دولت آنها را وادار به رعایت ایمنی محیط کار در محدوده استانداردهای بین المللی کنند و از طریق تشکل های خود بر ایمنی محیط کار کنترل و نظارت اعمال کنند. کارگران با مبارزه و ایجاد تشکل میتوانند از ابعاد فاجعه بار حوادث ناشی از کار بکاهند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ضایعات فلزی

بیست و پنجم اسفند ماه، ۴۵ کارگر شاغل در شرکت ضایعات فلزی واقع در حوالی شهرستان شهریار، با تجمع در محل دفتر مرکزی این شرکت در تهران، نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود اعتراض کرده و خواستار پرداخت آن و نیز عیدی و پاداش سالانه شدند. شایان ذکر است که کارگران این شرکت تاکنون چندین بار دست به اعتراض زده‌اند، اما کارفرما به جای رسیدگی به مشکلات کارگران و پرداخت باموقع حقوقها، اصرار دارد که کارگران این شرکت خود را باز خرید کنند.

تجمع اعتراضی کارگران در برابر بانک صنعت و معدن

جمع‌زایی از کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی، روز یکشنبه بیست و سوم اسفندماه، با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر بانک صنعت و معدن، خواستار پرداخت حقوقهای معوقه خود شدند. یکی از مسئولین شرکت یاد شده ادعا کرده است که به دلیل رکود در بخش ساختمانی، این شرکت با مشکل فروش محصولات مواجه شده و قادر به پرداخت حقوق کارگران نبوده است. نامبرده همچنین مطرح کرد که در پی اعتراض کارگران، نمایندگان کارگران و مدیران بانک، در مذاکراتی توافق کرده اند برای فروش محصولات این شرکت تلاش شود تا از این طریق امکان پرداخت حقوق کارگران نیز فراهم گردد.

اجتماع اعتراضی کارگران الکتریک خراسان

روز چهارشنبه ۱۹ اسفند ۷۷، کارگران شرکت صنعتی الکتریک خراسان، در محل امور اداری این شرکت اجتماع کردند و نسبت به تعویق درامپرداخت پاداش و عیدی سالانه اعتراض کردند. این تجمع اعتراضی که بیش از چهار ساعت تداوم داشت، با دخالت نیروهای انتظامی و قول مساعد مسئولین شرکت برای رسیدگی به خواست کارگران پایان یافت. قابل ذکر است که کارگران این شرکت در طول یک ساله گذشته، برای دریافت حقوق و مزایای خود، چندین بار دست به تجمعات اعتراضی زده اند.

اعتصاب در کارخانه ارج

روز دوازدهم اسفند ماه، کارگران کارخانه ارج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و پاداش سالانه، دست به اعتصاب زدند و به مدت چندین ساعت تولید را متوقف کردند.

تجمع اعتراضی کارگران در شهری

اواخر اسفند ماه، جمع زیادی از کارگران ساختمان سازی دولت آباد در شهرستان ری، در اعتراض به اخراج دهها کارگر این شرکت، و همچنین به نشانه اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در محل خانه کارگر این شهرستان تجمع کرده و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه و نیز بازگشت به کار کارگران اخراجی شدند. به گفته کارگران

اخباری از ایران

این شرکت، در حالیکه کارفرما مشکل نقدینگی ندارد، نه فقط به مدت سه ماه حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نکرده، بلکه از پرداخت عیدی و پاداش سالانه نیز ظفره رفته است. علاوه بر این ۵ تن از کارگران توسط کارفرما اخراج شده اند. در حالیکه اداره کار شهرستان ری حکم بازگشت به کار کارگران اخراجی را صادر کرده است، اما کارفرما از پذیرش این حکم امتناع کرده و همچنان از بازگشت مجدد کارگران به کار، ممانعت بعمل می آورد.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی در برابر کارخانه

نزدیک به ۲۰۰ تن از کارگران شرکت لوازم خانگی مولد ساوه، روز چهارشنبه ۱۸ فروردین، بابرپائی یک تجمع اعتراضی در برابر این کارخانه، خواهان بازگشت به کار شدند. شایان ذکر است که این کارگران که بعد از وقوع یک آتش سوزی در آذرماه ۷۷ در این کارخانه، از کار بیکار شده بودند، در اثر پی گیریهای خود و براساس توافق با اداره کل کار و کارفرمای شرکت، قرار بود از پانزدهم فروردین ماه به سرکارهای خود باز گردند. اما عدم اجرای این توافق از سوی کارفرما، اعتراض شدید کارگران را برانگیخت. معهدا کارفرما تنها برای بازگشت به کار ۴۵ کارگر اعلام آمادگی کرده است و کماکان از پذیرش ۱۵۰ کارگر دیگر خود داری میکند. نکته قابل توجه دیگر این است که این کارخانه قبل از آتش سوزی حدود ۴۰۰ کارگر داشته که در پی وقوع آتش سوزی همگی بیکار شدند و بعد از بازگشائی دوباره آن تنها ۱۸۰ کارگر به کار سابق خود بازگشتند.

تحصن کارگران تبریز

روز چهارشنبه بیست و ششم اسفند ماه، دهها تن از کارگران یک شرکت خدماتی در تبریز، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی از سوی مدیر عامل شرکت، در محل بیمارستان "راز" تبریز دست به تحصن زدند. گفتنی است که مدیر عامل این شرکت، نبود پول در بانک ملی رادلیل عدم پرداخت حقوق و عیدی کارگران عنوان کرد. این درحالیست که رئیس بانک مربوطه ادعای مدیرعامل شرکت را تکذیب کرد. مدیر عامل شرکت نه فقط به کارگران دروغ گفته بود، بلکه در پاسخ به تقاضای کارگران مبنی بر پرداخت حقوق و عیدی، آنها را تهدید به اخراج هم کرده بود.

اعتراض کارگران اخراجی در رشت

۷۶ تن از کارگران نساجی پارس ایران رشت، که هرکدام از ۲ تا ۲۰ سال در این کارخانه سابقه کار دارند، از کار اخراج شدند. مدیر عامل این شرکت در تاریخ ۷۷/۱۲/۲۵ با اعلام این مطلب به کارگران که بایستی تسویه حساب کنند تا دوباره تحت قرار دادهای جدیدی بتوانند بکار مشغول شوند. کارگران را مجبور به امضای قرارداد جدیدی تا تاریخ ۷۸/۴/۳۱ نمود، با اینهمه از تاریخ ۷۸/۱/۲۱ از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری نمود. در پاسخ به سؤال و

اعتراض کارگران، مدیر عامل شرکت درکمال وقاحت به کارگران گفت " بروید هرکاری از دستتان برمی آید انجام دهید". در اعتراض به این اقدام مدیر عامل، کارگران نیز در محل اداره کار استان، یک تجمع اعتراضی برپا کرده و خواستار پی گیری مسئولین برای رسیدگی به مشکلات خود شدند. کارگران این کارخانه عنوان کردند که کارخانه نساجی پارس ایران که در جاده لاکان شهرستان رشت واقع شده است، هیچ گونه مشکلی به لحاظ مواد اولیه، تولید و یا فروش ندارد. یکی از کارگران که مدت ۲۰ سال در این کارخانه سابقه کار دارد و تحت اجبار مدیر عامل خود را باز خرید کرده است و هم اکنون جزو کارگران اخراجی است، در مورد عدم امنیت شغلی کارگران میگوید " ما کارگران اخراجی چگونه باید جوابگوی خانواده هایمان باشیم.

کارگر قراردادی که در بدترین شرایط کار میکند و فریاد بر نمی آورد تا نکند توسط کارفرما اخراج شود، نباید امنیت شغلی داشته باشد؟ باید همیشه نگران اخراج و بیکاری باشد". کارگران در این حرکت اعتراضی خواستار بازگشت به کار و امنیت شغلی کارگران شدند.

۲۰۰۰ کارگر

چیت سازی بلاتکلیف اند

در حالیکه بیش از ۳ ماه از تعطیلی کارخانه چیت سازی بهشهر می گذرد، این کارخانه هنوز وضعیت روشنی ندارد و کارگران آن همچنان در حالت بلاتکلیفی بسر می برند. مدیر کارخانه یاد شده که به بهانه تهیه پول برای پرداخت حقوق کارگران در اواخر اسفند ماه به تهران سفر کرده بود، تا کنون به محل این کارخانه مراجعت نکرده و ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه باضافه هزاران عضو خانواده کارگری را شدیدا در مضیقه مالی و بلاتکلیفی نگاهداشته اند.

تعطیلی کارخانه و

بلاتکلیفی کارگران

کارخانه اکریلات در آستانه ورشکستگی و تعطیلی است. مسئولین این شرکت که چندین ماه به بهانه مشکلات مالی، حقوق کارگران را نپرداخته بودند، بعد از دریافت یک وام بانکی به میزان ۵۰۰ میلیون ریال، ضمن پرداخت بخشی از حقوق کارگران، چنین اعلام کردند که این کارخانه تا ۲۰ اسفند سال جاری تعطیل خواهد بود.

بلاتکلیفی کارگران

شرکت جواهریان

کارفرمای شرکت جواهریان واقع در شهرستان ری، از پرداخت حقوق و مزایای کارگران ظفره میروید. قابل ذکر است که مدیریت این واحد تولیدی، شرکت را بحال خود رها کرده است و کارگران این شرکت را در بلاتکلیفی نگاهداشته است.

اخراج ۱۲۰ کارگر

درست چند روزمانده به عید نوروز بود که ۱۲۰ نفر از کارگران شاغل در کارگاه برج تهران وابسته به

اخباری از ایران

شرکت آ. اس. پ، اخراج و سرگردان شدند. طرح اخراج کارگران که از ۲۵ اسفند به اجرا درآمده است، اعتراض شدید کارگران را برانگیخته است. کارگران با ارسال یک نامه اعتراضی به مدیر کل کار استان تهران، خواستار رسیدگی به این مسئله شده اند.

دو کارگر در حین کار جان خود را از دست دادند

در یکی از کوره پزخانه های یزد، کارگری بنام قزل احمد هنگام کار، با سقف کوره در میان شعله های آتش سقوط کرد و در اثر سوختگی شدید جان باخت. قابل ذکر است که این کوره، قبل از این نیز از چند نقطه دیگر ریزش کرده بود، اما صاحب کوره هیچ گونه اقدامی نسبت به تعمیر آن بعمل نیاورده بود. ریزش سقف کوره به علت قدمت و فرسودگی، سر انجام موجب مرگ این کارگر شد. نایبمنی محیط کار و بی توجهی سرمایه داران به جان وزندگی کارگران که هر روز جان شمار زیادی از کارگران را می گیرد این بار جان کارگری را گرفت که سرپرست یک خانواده ده نفری بود.

دو کارگر افغانی به هنگام حفاری یک چاه آب در محوطه یک کارخانه بافندگی، دچار حادثه شدند. رحمان عزیزی ۳۱ ساله که در عمق ۵۰ متری مشغول حفاری بود، دچار گاز گرفتگی شد و کارگر دوم که برای نجات او به داخل چاه رفته بود، ناگهان پایش لغزید و به ته چاه سقوط کرد و در دم جان سپرد.

ابعاد فاجعه بار حوادث ناشی از کار

روزنامه های رسمی رژیم از قول محبوب خیردادند که در کارگاه ها و کارخانه های کشور هر سال متجاوز از ۱۵۰۰۰۰ حادثه خطرناک اتفاق می افتد که منجر به صدمات شدید و یا مرگ کارگران می گردد. برطبق همین خبر گفته شد که سالانه ۱۰۰۰۰ کارگر بر اثر حوادث مختلف در کارگاههای کشور جان خود را از دست می دهند.

رشد بیکاری در شهر های مختلف

روابط عمومی اداره کل کار و امور اجتماعی استان فارس اعلام کرد که در سال گذشته ۲۶ هزار و ۴۰۶ نفرجویی کار به مراکز کارایی مراجعه و ثبت نام کرده اند که از این تعداد تنها ۱۴۷۸ نفر به کار گمارده شدند. در همین حال گفته شد که در استان ایلام نرخ رشد بیکاری بالای ۵۰ درصد است. با توجه به جمعیت ۵۰۰ هزار نفری استان ایلام در سال گذشته از مجموع زنان و مردان جویای کار تنها ۲۰۰ نفر جذب مراکز کار شده اند.

اعتراض دانشجویی

دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، روز دوشنبه ۱۷ اسفند با برپائی یک تجمع، نسبت به امور آموزشی و مدیریت این دانشکده اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

اعتصاب و گردهم آئی دانشجویان دانشگاه شاهد

دانشجویان رشته مامائی دانشگاه شاهد در اعتراض به فقدان امکانات آموزشی و رفاهی در اوایل فروردین ماه دست به اعتصاب زدند و در برابر ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع و تظاهرات نمودند. آنها خواهان تحقق مطالبات صنفی و رفاهی خود و ایجاد امکانات مناسب آموزشی شدند.

قرارداد نفتی با دوشرکت خارجی

در ادامه حراج منابع نفتی کشور و واگذاری دودستی آن به شرکت های امپریالیستی، اخیرا قرارداد دیگری میان شرکت ملی نفت ایران و دو شرکت خارجی به امضا رسید. قرارداد طرح توسعه میدان نفتی بلال به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت الف آکتین فرانسوی و شرکت بووالی کانادائی به امضا رسیده است که شرکت فرانسوی ۸۵ درصد و شرکت کانادائی ۱۵ درصد سهم را در اختیار دارند. میدان نفتی بلال در صد کیلومتری جنوب غربی جزیره لاوان در خلیج فارس واقع شده است و میزان نفت قابل استحصال از آن ۴۰ هزار بشکه در روز میباشد که پس از سه سال از زمان امضا قرارداد یعنی در سال ۲۰۰۱ میلادی، اولین تولید آن آغاز میشود.

وخامت اوضاع اقتصادی و

افزایش بدهی های خارجی دولت

بر طبق آمار منتشره از سوی بانک مرکزی، کل بدهی های خارجی و تعهدات قطعی احتمالی دولت به ۲۰/۶ میلیارد دلار رسید. مجموع سررسید بدهی های خارجی دولت در سال جاری ۵ میلیارد و ۶۷۳ میلیون دلار است. بر طبق آمار ارائه شده

تراز حساب جاری ایران در پایان آذر ماه گذشته با یک میلیارد و ۸۸۴ میلیون دلار کسری مواجه شد. تراز بازرگانی خارجی در ۹ ماه نخست سال ۷۷ با ۵۴۵ میلیون دلار کسری مواجه بود. در حالی که در مدت مشابه سال ۷۶، این تراز ۲ میلیارد و ۶۲۳ میلیون دلار مازاد داشت.

همچنین گفته شد که مجموع صادرات کشور از ۱۴ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار در ۹ ماه نخست سال ۷۶ به ۱۰ میلیارد و ۶ میلیون دلار در مدت مشابه سال ۷۷ کاهش یافت. ناخار بین المللی هم که در سال ۷۶، ۵ میلیارد و ۲۲۲ میلیون دلار بود، در ۹ ماهه سال ۷۷ به یک میلیارد و ۶۵۱ میلیون کاهش یافت.

افزایش روز افزون بهای کالاها و خدمات

از اوائل سال جاری بهای کالاها و خدمات با سرعت حیرت آوری افزایش یافته است. با افزایش بهای هر لیتر بنزین از ۲۰۰ ریال به ۳۵۰ ریال، و مسائل نقلیه شهری و بین شهری، کرایه ها رابین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دادند. نرخ بلیط اتوبوسهای بین شهری از فروردین ماه ۴۰ درصد افزایش یافت. تاکسیها ۵۰ درصد بر کرایه مسافرین افزودند. کرایه مسافر کش ها در تهران از ۱۰۰ به ۱۵۰ تومان افزایش یافت. سازمان اتوبوسرانی قزوین بهای بلیط اتوبوس ها را ۲۵ درصد افزایش داد. در پی افزایش بهای بنزین و نفت و گاز و تویل و هزینه حمل و نقل، بهای کالاهای مصرفی روزمره نیز افزایش یافتند. این افزایش حتی شامل قند و شکر و سیب زمینی و پیاز هم شد. شرکت صنایع شیر ایران نیز از اوایل فروردین بهای شیر شیشه ای را از ۴۵۰ به ۵۰۰ ریال و شیر نایلونی را از ۹۰۰ به ۱۰۰۰ ریال افزایش داد. شرکت مخابرات هم اعلام کرد که از اول فروردین ماه نرخ مکالمه هر پالس تلفن از ۲۶ ریال به ۳۲ ریال افزایش می یابد.

یا کار یا بیمه بیکاری

میلیونها کارگر در سراسر ایران به عنوان قربانیان نظام سرمایه داری، بیکار و گرسنه اند. سرمایه داران و دولت آنها هر روز به بهانه های مختلف گروه گروه کارگران را اخراج میکنند. هر سال چند هزار نفر از جوانان نیز به بازار کار سرازیر میشوند که اغلب آنها نیز به صفوف میلیونی ارتش بیکاران می پیوندند.

بیکاران باید با شعار یا کار یا بیمه بیکاری به مبارزه ای متحدانه برای تحقق خواستهای خود بیا خیزند.

اگر دولت نمیتواند ایجاد اشتغال کند، باید مثل دیگر کشورهای جهان به کارگران حق بیمه بیکاری بپردازد و بیمه بیکاری هم باید تامین کننده حداقل معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری باشد.

سازمان فدائیان (اقلیت)
کار - نان - آزادی - حکومت شورائی



گسترش اعتصاب کارگران راه آهن فرانسه

روز ۳مه سال جاری اعتصابی که از یک هفته پیش در راه آهن فرانسه توسط دو سندیکای "خودگردان" آغاز شده بود گسترده تر شد. در این روز گفته شد که دلیل گسترش اعتصاب پیوستن کارگران عضو ث.ژ.ت به این حرکت اعتراضی میباشد و این درحالی بوده که رهبری سندیکای راه آهن ث.ژ.ت تا این روز اعلام اعتصاب نکرده بود و اعضای پایه در واقع با وارد شدن در اعتصاب به این سیاست رهبری اعتراض نمودند. سرانجام در پایان روز ۳مه، ث.ژ.ت اعلام نمود که از ۱۰ مه رسماً به این اعتصاب میپیوندد. این درحالی بود که رهبری ث.ژ.ت متهم شده بود که نمیخواهد با پیوستن به این جنبش اعتراضی مشکلی برای وزیر راه و حمل و نقل که از حزب کمونیست است ایجاد کند. اعتصاب کارگران در اعتراض به طرح سی و پنج ساعت کار در هفته است.

اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه مواد غذایی "لویی گاد"

هزارتن از کارگران کارخانه مواد غذایی "لویی گاد" در منطقه فینبستر فرانسه روز ۳ مه پس از تحقق مطالباتشان با موفقیت به اعتصاب ده روزه خود پایان دادند. اعتصاب پیروزمند کارگران منجر به افزایش صد تا دویست فرانک به حداقل دستمزدها و صد فرانک به کلیه دستمزدها گشت.

اعتصاب کارگری در آفریقای جنوبی

۱۵ هزار نفر از رانندگان اتوبوسهای شهری در سراسر آفریقای جنوبی روز ۱۰ آوریل دست از کار کشیدند. اعتصاب فوق در اعتراض به مخالفت کارفرما با افزایش دستمزدها به میزان حداقل ۱۰ درصد بود. کارفرما اعلام نمود که دستمزدها تنها به میزان ۷ درصد افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر تمامی ۱۸ هزار نفر کارگر بزرگترین معدن پلاتین جهان در آفریقای جنوبی از روز ۲۲ آوریل دست از کار کشیدند. معدنچیان در اعتراض به کاهش تسهیلات رفاهی و عدم تعهد کارفرما به توافقات فیما بین با کارگران انجام گرفت.

تظاهرات کارگران و دانشجویان در جامائیکا

افزایش یکباره قیمت مواد سوختی و بنزین به میزان ۲۰ درصد، موجی از خشم و اعتراض را در جامائیکا دامن زد. روز ۱۹ آوریل هزاران نفر کارگر و زحمتکش، دانشجو و بیکار خیابان

های چند شهر این کشور را به صحنه درگیری و زدو خورد با مامورین سرکوبگر پلیس و ارتش تبدیل نمودند. در شهر Kingston پایتخت این کشور، هزاران تظاهرکننده خشمگین خیابانهای اصلی این شهر را تحت کنترل خود درآورده و اعتراض خود را به این تصمیم دولت به نمایش گذاشتند. در جریان این اعتراضات، مامورین پلیس با گشودن آتش به روی تظاهرکنندگان ۴ نفر را به قتل رسانده و دهها نفر را زخمی نمودند. روز ۲۰ آوریل هزاران راننده اتوبوس های شهری و تاکسی در همبستگی با تظاهر کنندگان دست از کار کشیده و چند شهر جامائیکا را به تعطیلی کامل کشاندند. این اعتراض وسیع، سرانجام تنها پس از چند روز دولت این کشور را وادار به عقب نشینی نمود. و افزایش قیمت مواد سوختی تا اطلاع ثانوی لغو شد.

اعتصاب عمومی در کره جنوبی

روز ۱۹ آوریل، بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران مترو در شهر سنول، پایتخت کره جنوبی، دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. لغو تعیین شرایط کار و دستمزدها از طریق قراردادهای دسته جمعی، کاهش دستمزدها و اخراج هزاران کارگر در نتیجه خصوصی شدن مراکز تولیدی، از جمله دلایل اعتصاب کارگران بودند.

پس از اعتصاب کارگران، ۲۰ تن از رهبران کارگری دستگیر شده و دولت این کشور در هراس از گسترش دامنه اعتصاب، برگزاری هر گونه آکسیون را غیرقانونی اعلام کرد. آنان کارگران را تهدید نمود که در صورت برپائی هرگونه اعتراض، اخراج خواهند شد. علیرغم این تهدیدات، روز ۲۶ آوریل صدها هزار تن از کارگران، کارمندان و دانشجویان در شهرهای مختلف دست به تظاهرات و راه پیمائی علیه فقر و بیکاری زدند. با گسترش این اعتراضات کلیه کارخانه ها، ادارات، دانشگاهها و مدارس تعطیل شد و اعتصاب عمومی سراسر این کشور را فرا گرفت. تنها یکی از نمونه های همبستگی با اعتصابیون، پیوستن ۵۵ هزار کارگر شرکت دولتی تلفن کره جنوبی بود.

اعتصاب معدنچیان در کنگو

۶۰۰ کارگر معدن مس در حوالی شهر "کین شاسا" روز ۲۲ آوریل دست از کار کشیدند. اعتصاب معدنچیان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها در ۹ ماه گذشته و مخالفت با تصمیمات دولت مبنی بر اخراج هزاران معدنچی صورت گرفت. روز ۲۶ آوریل، رئیس جمهور کنگو به نمایندگان کارگران وعده داد که به خواست کارگران رسیدگی کند.

تعطیلی دهها بیمارستان در کلمبیا

در اعتراض به تصمیمات دولت کلمبیا مبنی بر اخراج کارکنان و پرسنل بخش بهداشت عمومی، روز ۲۸ آوریل ۱۵۰ هزار کارگر، پرستار و کارمند شاغل در دهها بیمارستان در این کشور دست از کار کشیدند. لازم به ذکر است که از تاریخ ۲۰ آوریل نیز بیش از نیم میلیون معلم در این

کشور برای افزایش حقوق، دست به اعتصاب زده اند.

اعتصاب کارگران برق در تایلند

بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگران شرکت دولتی برق تایلند، در اعتراض به تصمیم دولت این کشور مبنی بر واگذاری نیروگاه برق شهر بانکوک به بخش خصوصی از روز ۲۱ آوریل دست به یک اعتصاب نامحدود زدند.

پایان اعتصاب رانندگان اتوبوس در سوئد

اعتصاب دو هفته ای ۱۶ هزار نفر از رانندگان اتوبوسهای شهری سوئد پس از تحقق برخی مطالبات پایان یافت. اعتصاب فوق در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار بود. کارگران خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها بودند. روز ۱۰ مارس با برآورده شدن بخشی از خواستها، اعتصاب پایان یافت.

اعتراضات کارگری در رومانی

بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارگران رومانی روز ۲۴ مارس در چند شهر این کشور به برپائی راه پیمائی و تظاهرات دست زدند. در بوخارست، بیش از ۱۰ هزار کارگر در مقابل ساختمان پارلمان تجمع نمود و خواهان افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، تغییر قانون کار فعلی، توقف اخراج کارگران و کاهش قیمت کالاهای اساسی در این کشور شدند. کارگران به دولت این کشور هشدار دادند در صورت عدم پاسخ به مطالباتشان، در ماه های آتی دست به یک اعتصاب عمومی خواهند زد.

اعلام حکومت نظامی در اکوادور به منظور سرکوب کارگران

با تشدید بحران اقتصادی در آمریکای جنوبی، روند خصوصی سازی مراکز تولیدی شتاب بیشتری گرفته است. دولت اکوادور برای برون رفت از بحران موجود یکسری راه حل هائی اتخاذ نموده که چیزی جز افزایش فقر و فلاکت و بیکاری برای کارگران ببار نیاورده است. رئیس کلی این سیاستها، افزایش مالیاتهای اقشار کم درآمد، انجماد دستمزدها و تسریع روند خصوصی سازیها و ایضا اخراج کارگران است. در اعتراض به این اقدامات روز ۱۰ مارس، کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی اکوادور با برپائی یک اعتصاب عمومی ۴۸ ساعته، مخالفت خود را با تصمیمات فوق بنمایش گذاشتند. دولت نیز در هراس از گسترش دامنه

این اعتصاب، دو روز اعتصاب را تعطیل عمومی اعلام نمود. اما برغم تهدیدات مکرر دولت، هزاران کارگر به راه پیمائی و تظاهرات دست زدند. در این روز بیش از ۱۵ هزار مامور پلیس و ارتش به صفوف کارگران حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند که در نتیجه آن صدها تن مجروح شدند. بار دیگر در روز ۲۲ مارس، هزاران کارگر و دانشجوی معترض

دست از کار و درس کشیده و به اعتراضات خود ادامه دادند.

اعتصاب کارگران شرکت دولتی تلفن در باهاما

روز ۲۳ مارس صدها کارگر شرکت دولتی تلفن در باهاما، در اعتراض به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، ساختمان مجلس این کشور را به اشغال خود درآوردند. پلیس با حمله به تظاهرکنندگان، دهها تن را دستگیر نمود. لازم بذکر است که با خصوصی شدن این شرکت، ۱۱۰۰ کارگر اخراج خواهند شد.

اعتصاب رانندگان کامیون در کلمبیا

قریب به ۱۰۰ هزار نفر از رانندگان کامیونهای باری در سراسر کلمبیا از روز ۹ مارس دست به یک اعتصاب نامحدود زده و خواستار بهبود شرایط کار خود شدند. افزایش عوارض در جاده های خارج از شهر، پائین بودن سطح دستمزدها و کیفیت نازل ایمنی راههای ارتباطی این کشور از جمله دلایلی است که این رانندگان زحمتکش را وادار به اعتراض و اعتصاب نموده است.

اعتصاب عمومی در نیجریه

بدعت اتحادیه سراسری کارگران نیجریه (NLC) هزاران نفر از کارگران این کشور از روز ۱۵ مارس دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در اعتراض به دولت نظامی این کشور انجام گرفت که تمام وعده های خود مبنی بر افزایش دستمزدها را زیر پا گذاشته و تنها به زور سرنیزه قصد دارد که کارگران را به کار بیشتر وادار نماید.

تظاهرات میلیونی در مکزیک

در اواسط ماه مارس قریب به یک میلیون نفر کارگر، دانشجو و دهقان در سراسر مکزیک به خیابانها آمده و دست به تظاهرات و راه پیمائی زدند. اعتراض مردم به سیاستهای اقتصادی است که از سوی موسسات مالی امپریالیستی به دولت این کشور دیکته شده است. بر اساس این سیاستها صنایع دولتی به بخش خصوصی واگذار شده است که نتیجه مستقیم آن اخراج کارگران و گسترش صفوف بیکاران بوده است. دانشگاههای این کشور نیز از این سیاستهای سرمایه دارانه درامان نمانده و با برقراری شهریه های بالا، عملاً امکان تحصیل برای فرزندان کارگران و زحمتکشان مکزیک از بین رفته است.

کارگران مجارستان خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند

روز ۲۰ مارس بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران بخش دولتی مجارستان در مقابل ساختمان پارلمان این کشور در بوداپست تجمع نمودند. این اعتراض بدعت اتحادیه کارگران بخش

دولتی (SZEF) انجام گرفت. در حالی که دولت مجارستان اعلام نموده که دستمزدها تنها به میزان ۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. تظاهرکنندگان در این روز خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۶ درصد شدند. خواست دیگر کارگران در این روز، توقف سیاست "تعدیل اقتصادی" دولت بود که به بهانه آن صدها کارگر در سال جاری اخراج خواهند شد.

اعتصاب کارکنان و کارگران دولت در اسرائیل

بدعت اتحادیه سراسری کارگران اسرائیل (Histadrout) روز ۲۴ مارس، بیش از ۴۰۰ هزار نفر از کارکنان و کارکنان بخش دولتی در این کشور دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. خواست اعتصابیون افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم بود. در حالی که دولت تنها با افزایشی به میزان دو و نیم درصد موافقت کرده بود. بدنبال اعلام این مطلب، کارگران و کارکنان کلیه ادارات، بیمارستانها، مدارس دولتی، فرودگاهها و راه آهن دست از کار کشیدند و اعتصاب عمومی سراسر کشور را فراگرفت. سه روز پس از آن نیز کارگران سازنده هواپیما و مهمات جنگی Lockheed در همبستگی با اعتصابیون، دست از کار کشیدند.

انگلستان :

بنابه دعوت اتحادیه همصدا و حمایت کننده اتحادیه های کارگری، روز ۱۰ آوریل بیش از ۲۰ هزار تن از جمله شمار زیادی از جوانان و اعضا اتحادیه های کارگری در بخش خدمات دست به راه پیمائی و تظاهرات در شهر نیوکاسل زدند. این حرکت در اعتراض به میزان "حداقل دستمزد" وجود تبعیض سنی بین کارگران برپا شد.

کارزار جهانی برای آزادی مومیا ابوجمال

اکنون بیش از ۲۰ سال است که مومیا ابوجمال مبارز سیاهپوست آمریکائی به جرم ساختگی قتل یک مامور پلیس، در "راهروی مرگ" زندان شهر فیلادلفیا به "انتظار" اجرای حکم اعدام خود نشسته است. محکومیت ابوجمال در واقع بخشی از توطئه مقامات پلیس ایالت پنسیلوانیا است که به تلافی فعالیتهای خستگی ناپذیر وی در راه افشای همجانبه تبعیض نژادی سیستماتیک در ماشین دولتی آمریکا، بویژه پلیس این کشور و تلاش برای به رسمیت شناختن حقوق شهروندی رنگین پوستان این کشور، انجام میگردد. در این مدت فعالین آزادی مومیا ابوجمال نیز کارزار وسیعی را برای رهائی وی به راه انداخته اند. برغم این تلاشها، روز ۲۰ اکتبر سال گذشته دادگاه عالی ایالت پنسیلوانیا حکم دادگاه بدوی را تأیید نمود. به این ترتیب حکم اعدام وی تنها باید به تأیید فرماندار این ایالت رسیده و تاریخ اجرای حکم تعیین گردد. درعین حال وکلای مدافع مومیا ابوجمال با ارجاع این حکم دادگاه ایالتی به دادگاه فدرال، تلاش دارند

که حکم دادگاه بدوی را تغییر دهند. این دادگاه روز ۲۴ آوریل سال جاری رای خود را صادر کرده و در بهترین حالت حکم اعدام وی را به حبس ابد تبدیل خواهد نمود. در همین رابطه روز ۲۴ آوریل راه پیمائی های متعددی با شعار "میلیونها نفر برای مومیا" در کشورهای مختلف برگزار شد. در دانمارک تعدادی از اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق بشر به دعوت سازمان عفو بین الملل در این کشور، تظاهراتی را روز ۵ مارس در مقابل سفارت آمریکا در شهر کپنهاگ برگزار نمودند. علاوه بر این روز اول ماه مارس نیز راه پیمائی بزرگی در محله سیاهپوست نشین Bronx نیویورک برگزار شد.

همزمان با گسترش کارزار همبستگی با مومیا ابوجمال، روز ۴ فوریه یک جوان مهاجر سیاه پوست از کشور گینه توسط ۴ مامور سفیدپوست پلیس در شهر نیویورک به قتل رسید. این جنایت نژادپرستانه موج وسیعی از اعتراض را در محلات سیاهپوست نشین شهرهای مختلف آمریکا دامن زد. در محله Bronx صدها جوان خشمگین با نیروهای سرکوبگر پلیس درگیر شده و خشم و نفرت خود را از این اعمال نژادپرستانه بنمایش گذاشتند.

کارگران اوکراین: "حقوق معوقه ما را پرداخت کنید!"

مبارزه کارگران اوکراین برای دریافت دستمزد های معوقه خود مجدداً اوج تازه ای گرفته است. در طول ماه مارس چندین حرکت اعتراضی از سوی کارگران انجام گرفت که نشان از عزم راسخ کارگران برای دستیابی به مطالبات خود دارد.

روز ۲ مارس، ۶۰۰ نفر از کارگران خدمات درمانی در شهر Simfupopol دست به راهپیمائی و تظاهرات زدند. کارگران اعلام نمودند که دولت اوکراین مبلغی بالغ بر ۱۲ میلیون دلار از بابت دستمزدهای معوقه، به کارگران مقروض است. از روز ۶ مارس تمامی کارکنان و کارگران ۵ نیروگاه اتمی در سراسر اوکراین دست از کار کشیده و اعلام نمودند که تا پرداخت کامل دستمزدهای معوقه خود، که مبلغی بالغ بر ۱۵ میلیون دلار میباشد، به سرکارهای خود باز نخواهند گشت. اعتصابیون در اطراف این نیروگاهها اقدام به برپائی چادر نموده و حدود ۲ هزار نفر از کارگران همزمان با تحصن در این چادرها دست به اعتصاب غذا زدند.

معدنچیان اوکراین نیز مبارزات خود را برای پرداخت دستمزدهای معوقه تشدید نموده اند. روز ۹ مارس بیش از ۱۰۰۰ نفر از معدنچیان یکی از معادن اوکراین، کار را تعطیل نموده و دست به یک راه پیمائی ۴ روزه زدند. بدهی دولت به کارگران از بابت دستمزدهای معوقه مبلغی بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار میباشد. این در حالی است که تنها در سال گذشته ۱۲۰ معدن این کشور تعطیل شده و بیش از ۳۷۲ هزار نفر معدنچی کار خود را از دست داده اند. بر اساس تصمیمات دولت، تا سال ۲۰۰۰ بیش از ۸۰ معدن دیگر نیز در این کشور تعطیل خواهد شد که نتیجه آن نیز بیکاری هزاران کارگر معدن خواهد بود.



خجسته باد اول ماه مه ، روز جهانی کارگر!

کارگران مبارز !

اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران فرا رسیده است. میلیونها کارگر درسراسر جهان، هر ساله در اول ماه مه، دست از کار می کشند و با بر پائی تظاهرات، راه پیمائی و جشن و سرور، اتحاد وهمبستگی طبقاتی خود را درمبارزه علیه سرمایه بهنمایش می گذارند.

کارگران ایران امسال درشرایطی به استقبال اول ماه مه میروند که جمهوری اسلامی، سیاست تعرض هرچه بیشتر به زندگی و سطح معیشت کارگران را ادامه داده و این سیاست را تشدید نموده است. حکومت اسلامی که با ورشکستگی مالی و یک بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی دست به گریبان است، بار این بحران و ورشکستگی را مداوماً بردوش کارگران انداخته است. در برابر افزایش مداوم و سرسام آور قیمت ها و رشد افسارگسیخته نرخ تورم، افزایش دستمزدهای اسمی آنقدر اندک و ناچیز بوده است که حتی برای تامین یک سوم هزینه های خانوارهای کارگری هم کفایت نکرده است. دستمزدهای واقعی دائماً کاهش یافته است. فاصله میان درآمدها و هزینه ها بیش از پیش افزایش یافته و لاجرم سطح زندگی و معیشت کارگران بطور فاحشی تنزل یافته است. این در حالیست که در بسیاری از کارخانه ها و موسسات تولیدی، همین دستمزدهای ناچیز کارگران را هم یا نپرداخته و یا باچندین ماه تاخیر پرداخته‌اند. اخراج ها و بیکارسازیهای وسیع، صدها هزار کارگر را خانه نشین کرده و صفوف میلیونی بیکاران را متراکم تر ساخته است. دهها میلیون کارگر و اعضا خانواده های کارگری به فقر و فلاکت بیشتر سوق داده شده‌اند.

رژیم حاکم بر ایران، نه فقط باربحران و ورشکستگی مالی خود را بردوش کارگران انداخته است، بلکه با حاکم کردن سرکوب و اختناق اسلامی برجامعه، بکلی آزادیهای سیاسی را از کارگران وعموم توده های مردم سلب نموده است. جمهوری اسلامی کارگران را از حق تشکیل اتحادیه و سایر تشکل های مستقل کارگری، از حق اعتصاب و تجمع، منجمله از برگزاری مستقل و آزادانه راه پیمائی و جشن اول ماه مه نیز محروم ساخته است.

معهداً برغم تمامی این فشارها و محرومیت ها، جمهوری اسلامی نه فقط قادر نبوده است جلو جنبش اعتراضی کارگران را بگیرد، بلکه اعتراضات مکرر کارگران در شکل اعتصابات، تجمعات، تظاهرات، راه پیمائی و سایر اشکال مبارزه کارگری از رشد قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار شده است. کارگران ایران که جز لاینفکی از ارتش بین المللی کار علیه سرمایه‌اند، امسال نیز همچون سالهای گذشته، و حتی پرشورتر و گسترده تر از سالهای گذشته، روز اول ماه مه را جشن میگیرند و از این طریق، اتحاد و همبستگی خود را با سایر کارگران درسراسر جهان اعلام میدارند.

کارگران مبارز !

جمهوری اسلامی حافظ نظم غیر عادلانه موجود و حراست کننده منافع استثمارگران است. این رژیم که از بنیاد مخالف آزادیهای سیاسی است، همواره مطالبات کارگری را با زور و سرنیزه پاسخ داده و آشکارا حقوق اولیه و دمکراتیک کارگران را نقض کرده است. نخستین گام در راه آزادیهای سیاسی و ایجاد نظمی عاری ازستم و استثمار، جارو کردن بساط حکومت اسلامی است. معهداً مادام که این رژیم هنوز سرنگون نشده و به حیاط انگل وار خود ادامه میدهد، کارگران فقط و فقط با تشدید مبارزه و تقویت اتحاد خویش است که قادرند سرمایه داران و دولت آنها را عقب برانند و خواستها و حقوق پایمال شده خود از جمله حق ایجاد تشکل مستقل و سراسری کارگران را برآنان تحمیل کنند. همه چیز درگرو تشکل کارگران، تقویت جنبش مستقل کارگری و درگرو سراسری کردن مبارزات است. با حمایت مجدانه از مبارزات کارگری، به استقبال اول ماه مه برویم و این روز خجسته را به همه کارگران شاد باش بگوئیم.

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر !

مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم
کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران
اردیبهشت ۱۳۷۸

کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران متشکل است از:
حزب کمونیست ایران - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



زنده باد

همبستگی بین المللی کارگران

رفقای کارگر !

روز اول ماه مه نزدیک می شود. میلیون ها کارگر در ۵ قاره جهان آماده می شوند تا بار دیگر قدرت و همبستگی بین المللی خود را در تمام جهان به نمایش بگذارند.

اول ماه مه، نشانه ای از این حقیقت است که کارگران جهان، یک تن واحدند، اهداف و منافع شان یکی است و دشمن واحدی دارند. اول ماه مه سمبل آشتی ناپذیری طبقه کارگر با نظم ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه داریست. این نظام که بنیادش بر استثمار کارگران بنا شده است و اکثریت عظیم مردم زحمتکش را به فقر و سیاه روزی، تباهی جسمی و روحی سوق داده است، نظامی غیرانسانی است که هرگونه توجیه وجودی خود را از دست داده است. این نظام به مانعی برسراسر تحول تاریخی و رفاه و خوشبختی و برابری انسانها تبدیل شده است. طبقه کارگر برای برافکندن این نظام و استقرار نظام سوسیالیستی بدون طبقات بدون استثمار به پا خاسته است. ماهیت نظام سرمایه داری در سراسر جهان یکی است و در تمام کشورهای سرمایه داری، کارگران توسط طبقه سرمایه دار استثمار میشوند. اما درکشور هائی نظیر ایران که دیکتاتوری عریان حاکمیت دارد و مردم از ابتدائی ترین حقوق و آزادی های سیاسی محروم اند، استثماری خشن و وحشیانه وجود دارد و شرایط مادی و معیشتی کارگران به نحو غیر قابل تصویری وخیم و اسف بار است. در ایران چندین سال مداوم است که دستمزد واقعی کارگران دائماً کاهش یافته و سطح معیشت آنها پیوسته تنزل نموده است. دستمزدی که امروز کارگران در ایران دریافت می کنند حتی جوابگوی نیمی از هزینه های اولیه زندگی نیست. کارگران در ایران با فقر مطلق روبرو هستند و سال به سال فقیرتر میشوند. یکی دیگر از نتایج فاجعه بار نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، بیکاری میلیونها کارگری است که این نظام غیرانسانی آنها را به خیابانها پرتاب کرده است. بحران اقتصادی براباعد این فاجعه افزوده و هرروز هزاران کارگر دیگر به ارتش بیکاران می پیوندند. تنها در همین یک سال گذشته صدها هزار کارگر توسط سرمایه داران اخراج شده و ازداشتن یک لقمه نان خشک و خالی هم محروم شده‌اند. شرایط وحشیانه استثمار در ایران و بی حقوقی کارگران به سوانح ناشی از کار نیز ابعادی فاجعه بار داده است. هر سال چند صد هزار کارگر به علت ناایمنی محیط کار دچار سانحه می شوند. آمارهای رسمی می گویند که در یک سال گذشته، بیش از ۱۵۰ هزار حادثه خطرناک در کارگاهها و کارخانه ها رخ داده و ۱۰۰۰۰ کارگر جان باخته اند. اما این وحشی گری های سرمایه داران و فجایعی که نظام سرمایه داری در ایران به بار آورده بدون جواب نمانده است. کارگران در یک سال گذشته درصدها مورد دست به اعتصاب، راه پیمائی، تظاهرات زده و خواستار تحقق مطالبات خود شده اند، کارگران خواهان افزایش دستمزد، توقف اخراج ها و برسمیت، شناختن تشکل های مستقل کارگری هستند.

رفقای کارگر!

تنها اتحاد و همبستگی در مبارزه علیه سرمایه داران و دولت آنها، ضامن پیروزی است. رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیم سرکوبگر و پاسدار نظام سرمایه داری، مانع اصلی بر سر راه هرگونه بهبود وضعیت کارگران است. مبارزه متحد خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان تشدید کنید. با آرزوی پیروزی قطعی کارگران بر سرمایه داران و سرنگونی نظام سرمایه داری در سراسر جهان، سازمان فدائیان (اقلیت) روز اول ماه مه را به عموم کارگران شاد باش می گوید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سرنگون باد نظام سرمایه داری
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
سازمان فدائیان (اقلیت) اردیبهشت ۱۳۷۸
کار _ نان _ آزادی _ حکومت شورائی

تعرضی دیگر به حقوق کارگران

چگونه میتوان از ...

اخبار کارگری جهان محاکمه ۱۳ کارگر در بلژیک

خصوصی سازی کارخانجات و موسسات تولیدی و انتقال تولید به دیگر کشورها به منظور استفاده از نیروی ارزان کارگران، در اغلب کشورهای جهان نتیجه‌ای جز اخراج‌های گسترده و بیکارسازیهای وسیع نداشته است. همین امر مقاومت کارگران را دامن زده و مبارزه وسیعی در تمامی کشورهای جهان برای حفظ اشتغال در گرفته است. از جمله میتوان به مبارزات کارگران کارخانه فلز سازی forges Clabecq در بلژیک اشاره نمود. در اواسط دهه ۸۰ میلادی بیش از ۶۵۰۰ نفر کارگر در این کارخانه اشتغال داشتند. اما زمانیکه در سال ۱۹۹۶ فرمان تعطیل این کارخانه توسط کمیسیون اروپا صادر شد، تنها ۱۸۰۰ کارگر در این کارخانه باقی ماند. همین کارگران هم بلافاصله پس از روشن شدن تصمیم کارفرما در مقابل تعطیلی کارخانه دست به یک مبارزه همه جانبه زده و سرانجام، پس از ماهها اعتصاب و زدوخورد با مامورین پلیس، موفق شدند کارفرما را وادار به عقب نشینی کرده و مانع از تعطیل این کارخانه بشوند. مبارزه یکپارچه فلزکاران کارخانه forges Clabecq که میتوانست الگوی مبارزاتی برای کارگران دیگر کارخانه‌ها باشد، سرمایه داران این کشور را به وحشت انداخته و آنها را وادار نمود تا برای درهم شکستن مقاومت کارگران در مقابل تعطیل مراکز تولید، به فکر چاره ای بیفتند. چاره هم چیزی جز اخراج فعالین کارگری که در این مدت مبارزه فلزکاران این کارخانه را سازماندهی و هدایت نموده بودند، نبود. مقامات قضائی بلژیک به سرعت دست به کار شده و ۱۳ نفر از فعالین کارگری این کارخانه را با اتهام ساختگی "ایجاد آشوب و دعوت کارگران به مقاومت مسلحانه در برابر تعطیلی کارخانه" به دادگاه کشاندند. در همین رابطه موج وسیعی از همبستگی با این کارگران به راه افتاده و هزاران کارگر با تجمع روزانه در مقابل ساختمان دادگستری در شهر Clabecq، جلسات دادگاه را عملاً مختل نموده و پیرامون دموکراسی بورژوازی کشورهای غربی دست به افشاکاری زدند. روز ۷ مارس نیز صدها نفر از کارگران در میدان مرکزی شهر Clabecq گرد هم آمده و خواستار آزادی فوری رفقای کارگر خود شدند.

از تشکلهای وابسته به رژیم بوده اند، اما هنوز به شدت از دو ناحیه یکی از ناحیه خود بخودی بودن و یکی هم از ناحیه خرابکاری تشکل های وابسته به رژیم رنج میبرند. ثانیاً این مبارزات و اعتراضات اساساً پراکنده و جدا از هم بوده است و از همینرو هم نتوانسته است تأثیرات مطلوب و رضایت بخشی نه درختی سازی تعرضات سرمایه داران و نه بطریق اولی در پیشروی معنی دار کارگران برجای بگذارد.

کارگران میبایستی تمامی این موانع و محدودیتها را از سر راه حرکت مستقل خویش بردارند. در از میان برداشتن این موانع و کمبودها، کارگران آگاه و پیشرو و فعالین جنبش کارگری بایستی پیشقدم شوند. این نکته کاملاً روشن است که در برابر سرمایه داران و تعرض آنها و برای مبارزه علیه کارفرمایان، کارگران اعم از اخراجی، بیکار و یا مشغول بکار، راهی جز اتحاد و یکپارچگی و مبارزه متشکل ندارند.

یکپارچگی و اتحاد مبارزاتی، قبل از هر چیز در گرو آن است که تشکل های وابسته به رژیم اعم از شوراهای اسلامی کار و یا خانه کارگر را از دخالت و خرابکاری در امور خود باز دارند و با استفاده از موقعیت و شرایط موجود و تعمیق شکاف در میان جناح های حکومتی، تشکل های مستقل خویش را در هر کارخانه و موسسه تولیدی برپا کنند. نفس برپائی تشکلهای مستقل کارگری، نه فقط گام بسیار مهم و به پیشی است برای جنبش کارگری، بلکه خود این مسئله، مبارزه و جنبش کارگری را چندین گام به جلوسوق خواهد داد. کارگران از طریق تشکلهای مستقل خود در هر کارخانه، نه فقط بهتر می توانند در برابر کارفرما بایستند و از اجحافات او جلوگیری نمایند و مطالبات خاص خود را به او بقبولانند، بلکه از پیوند این تشکلهای مستقل می توانند تشکلهای مستقل و سراسری خویش را نیز ایجاد کنند. ایجاد تشکلهای مستقل و سراسری کارگری بخودی خود نه فقط گام بسیار بلندی است به پیش و در راستای به میدان آمدن مستقل طبقه کارگر، بلکه در مصاف و رویارویی این طبقه با طبقه سرمایه دار، به او کمک میکند تا مبارزه ای ژرف تر و عمیق تری را در مقیاس سراسری سازمان دهد تا نه فقط مانع تعرضات سرمایه داران شود، بلکه به تعرض علیه آنان نیز دست بزند.

کار بودند که سرمایه داران بدون هرگونه مانع و محدودیتی در مورد دستمزدها، استخدام و اخراج کارگران و ساعات کار تصمیم بگیرند. آنها ادعا میکردند که بدین طریق امکان بیشتری برای سرمایه داران داخلی و بین المللی به منظور سرمایه گذاری فراهم خواهد شد و امکان اشتغال افزایش مییابد. امروز هم همان هدف به شکل دیگری دنبال میشود. از کارگاههای کوچک شروع کرده اند تا به کارخانه های بزرگ برسند. امروز هم کسانی که طرح را ارائه داده اند، ادعا میکنند، با تصویب آن امکان اشتغال و رفاه بیشتری برای کارگران فراهم خواهد شد. اما واقعیت چیز دیگری است. هدف اصلی، تشدید استثمار کارگران و افزایش سود سرمایه داران است. با تصویب این طرح نه تنها حق و حقوق کارگران رسماً و علناً از آنها سلب خواهد شد، بلکه استثمار کارگران کارگاههای کوچک به نحو بی سابقه‌ای تشدید میشود. با تصویب این طرح، دست کارفرما کاملاً باز خواهد بود که بنا به میل و اراده خود دستمزد کارگر را تعیین کند و ساعات کار را افزایش دهد. کارگر، دیگر رسماً از هرگونه حقی در مورد بیمه بیکاری، درمان و بازنشستگی محروم خواهد شد. از آنجائی که کارفرما دیگر هیچگونه مسئولیتی در برابر مسائلی چون سوانح ناشی از کار ندارد، بر ابعاد حوادث ناشی از کار افزوده خواهد شد. با تصویب این طرح، گروه زیادی از کارگران که تاکنون مشغول بکار بوده و احیاناً در محدوده‌ای از حق و حقوقی برخوردار بوده اند، اخراج میشوند. تعدادی از کارگاههای کوچک که تعداد کارگران آنها بیش از ۳ نفر است، آنها نیز عجلالتاً شروع به اخراج کارگران میکنند، تا کارگاه آنها مشمول قوانین کار نشود.

خلاصه کلام این که بیش از ۲ میلیون کارگری که در یک میلیون و ۴۰۰ هزار کارگاه دارای ۳ کارگر و کمتر مشغول بکارند، با محروم شدن از هرگونه حق و حقوقی در معرض وحشیانه ترین استثمار قرار خواهند گرفت. بعد از اینهم نوبت کارگران کارگاههای بزرگتر و کارخانه ها فراخواهد رسید. بنابراین روشن است که تصویب این طرح از جهات مختلف به زیان کارگران و علیه آنهاست.

جناحهای مختلف حکومت از باصطلاح چپ تا راست آنها در این اقدام علیه کارگران مشترکاً عمل میکنند. ادعای سران خانه کارگر مبنی بر این که مخالف تصویب این طرح هستند جز یک عوامفریبی چیز دیگری نیست. تفاوت اینها با دیگر جناحهای حکومت بر سر مسائلی از این دست، یک تفاوت صوری است. اینها نیز میخواهند همین سیاست عملاً پیش برده شود، اما برای جلوگیری از اعتراض کارگران و مهار و کنترل مبارزه آنها رسماً در قانون کار تغییری داده نشود. همه میدانند که سرکرده این جناح در وزارت کار، بدون این که تغییری در قانون کار

باید به شکلی متشکل و مستقل در برابر این تعرضات حکومت اسلامی به حقوق و دست آوردهای کارگران ایستادگی کنند. کارگران مدافع قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی نیستند بلکه برای یک قانون کار انقلابی که از حقوق کارگر دفاع کند، مبارزه میکنند، اما تا حصول به آن هدف، حتی از کوچکترین دست آورد خویش در قانون کار موجود دفاع میکنند. کارگران مخالف آن هستند که کارگاههای کوچک از دایره شمول قانون کار کنار گذاشته شوند.

داده شود، با تصویب آئین نامه قراردادهای موقت به سرمایه داران امکان دادگاه کارگران را با چندین سال سابقه کار اخراج کنند و از طریق قراردادهای موقت کارگرانی را استخدام کنند که از تمام حقوق کارگری محروم اند. همین جناح که امثال وزیر کار کنونی در راس آن هستند، عملاً در چند سال گذشته، کارگاههای کوچک را از دایره شمول قانون کار کنار گذاشتند. پس ادعای سران خانه کارگر مبنی بر دفاع از حقوق کارگران، ادعائی پوچ است. کارگران خود

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

پیام و فراخوان مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان

چندی است که شما موفق شده‌اید یازدهم اردیبهشت (اول ماه مه) را به عنوان روزکارگر به حکومت تحمیل کنید. اما سرمایه داران و دولت آنها تلاش کرده‌اند که این روز را به روزوحدت کارگران با سرمایه داران و دولت و به روزسپاسگزاری از آنان تبدیل کنند! حال آنکه بیش از صد سال است که در کشورهای دنیا، اول ماه مه روزی است که کارگران، بیکاران، مردم زحمتکش و محروم، از زن و مرد، به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند تا اولاً در صفی واحد، همبستگی و قدرت عظیم خود را به نمایش بگذارند. ثانیاً اعتراض خود را نسبت به ستم‌هایی که بر آنان می‌شود بیان و خواسته‌های عاجل و حیاتی خود را به صدای بلند اعلام کنند. شما که محروم‌ترین طبقات جامعه و اکثریت عظیم جمعیت کشور هستید و مشقات کار و یا بیکاری، فقدان حداقل‌های تامينات اجتماعی و امنیت شغلی، فقدان بیمه بیکاری، تبعیض دستمزد میان زنان و مردان و فشارهای دیگرکمرتان را خم کرده و کارد به استخوانتان رسانده‌اند، حتی از این حق ساده محروم شده‌اید که در روز کارگر به خیابان بیایید و دردهایتان را فریاد بزنید. شرایط زندگی شما هرروز بدتر و تحمل ناپذیرتر می‌شود و همه جناح‌های حکومت همچون بیست سال گذشته می‌خواهند بار مشکلات مالی دولت را بردوش شما بیاندازند و در همان حال حق اعتراض را هم از شما بگیرند! اما شما باید از این حق ابتدائی و مسلم خود دفاع کنید که مثل خواهران و برادران هم طبقه و هم سرنوشتتان در همه کشورهای جهان، در اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) آزادانه به خیابانها بیایید و بازو در بازوی هم راه پیمائی کنید. ما متحد و یکصدا، شما کارگران و همه مردم زحمتکش و بیکاران و محرومان ایران را فرا میخوانیم که برای به کرسی نشاندن این حق مسلم خود، در روز یازدهم اردیبهشت ماه امسال دست به راه پیمائی و تظاهرات بزنید، و هرسال با تکرار این اقدام، بکوشید تا حق راه پیمائی آزادانه نیروی کار و زحمت و محرومان و لگدمال شدگان را جا بیاندازید و به استثمارگران و دولت آنان تحمیل کنید. در راه پیمائی امسال، طبعاً در خواست‌های جاری و فوریتان را مطرح خواهید کرد از قبیل: "پرداخت به موقع دستمزدها"، "جلو گیری از بیکارسازیها"، "پرداخت بیمه بیکاری به کلیه بیکاران"، "جلوگیری از سقوط قدرت خرید کارگران و افزایش دستمزدها به تناسب تورم"، "برابری دستمزد زنان با مردان و کارگران خارجی با کارگران ایرانی برای کار مساوی"، "اجرای پیمانهای دسته جمعی" و غیره.

اما فراموش نکنید که شما برای آنکه بتوانید در برابر کارفرما از حقوقتان دفاع کنید، به تشکل صنفی مستقل خودتان احتیاج دارید. همین طور برای آنکه همه کارگران بتوانند یکپارچه در مقابل بی‌حقی‌ها و فشارهایی که در نتیجه سیاستهای عمومی طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داران بر آنان وارد می‌شود مقاومت، و از حقوقشان دفاع کنند، به تشکل‌های سراسری کارگری نیازمندند، زیرا که "خانه کارگر" ابزار دست دولت برای کنترل کارگران و وابسته کردنشان به رژیم است. پس تشکل مستقل که تنها وسیله اتحاد و قدرت شماست، در مبارزه برای بدست آوردن حقوقتان از نان شب برای شما واجب‌تر است و لازم است که "حق تشکل مستقل" را در راس همه درخواستهای جاریتان در راه پیمائی اول ماه مه قرار دهید، و در جریان مبارزه و زندگی روزانه‌تان نیز برای ایجاد این تشکلهای مستقل حول درخواستهای صنفی جاریتان تلاش کنید. "چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است!" ما فرارسیدن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را به همه کارگران و زحمتکشان صمیمانه شادباش می‌گوئیم و از همه کارگران پیشرو، از همه فعالان و هواداران احزاب و سازمان‌های خود و از همه روشنفکران چپ و طرفداران کارگران و زحمتکشان می‌خواهیم تا با تمام توان خود، این فراخوان به برگزاری راه پیمائی اول ماه مه را در گسترده‌ترین سطح به میان کارگران و زحمتکشان و بیکاران ببرند و آنان را در تدارک و سازماندهی این راه پیمائی در همه شهرهای ایران، بخصوص در تهران یاری دهند.

سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!
 زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!
 زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!
 اردیبهشت ۱۳۷۸

اتحاد چپ کارگری (۱) کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران (۲)

- ۱- متشکل از: سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، اتحاد فدائیان کمونیست، هسته اقلیت، گرایش سوسیالیسم و انقلاب (پروژه)، فعالین سابق فدائی، منفردین سوسیالیست کارگری، اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- ۲- متشکل از حزب کمونیست ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان (اقلیت)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اطلاعیه

تظاهرات ۲۴۰۰ کارگر نساجی طبرستان

۲۴۰۰ تن از کارگران نساجی طبرستان قائم شهر، روز شنبه، در قائم شهر دست به تظاهرات زدند، در برابر کارخانه تجمع نمودند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند. کارفرمایان کارخانه نساجی طبرستان در اسفند ماه به بهانه‌های واهی، کارخانه را تعطیل نموده و ۲۴۰۰ کارگر این کارخانه را اخراج نمودند. این اقدام ضد کارگری در همان زمان مورد اعتراض کارگران قرار گرفت.

کارگرانی که سالها در این کارخانه عمر و زندگی خود را گذرانده‌اند تسلیم این زور گوئی کارفرما نشدند. به کارگران وعده بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای معوقه آنها داده شد. اما به این وعده‌ها عمل نشد. لذا کارگران دست به تظاهرات زدند و خواستار بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای خود شدند.



کارگران اعلام کرده‌اند که اجازه نمی‌دهند سرمایه داران به زور گوئی خود ادامه داده و خودسرانه کارگران را اخراج و به خیابان‌ها پرتاب کنند. مبارزه کارگران نساجی همچنان ادامه دارد. سازمان فدائیان (اقلیت) از خواسته‌های برحق کارگران نساجی طبرستان قائم شهر دفاع میکند و خواهان بازگشت بکار کارگران اخراجی و پرداخت تمام حقوق و مزایای عقب مانده آنهاست.

مرگ بر نظام سرمایه داری
 مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
 سازمان فدائیان (اقلیت)
 ۱۳۷۸/۱/۲۲

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

تعرضی دیگر به حقوق کارگران

جمهوری اسلامی که در طول تمام دوران حاکمیت خود، جز فقر و بدبختی، گرسنگی و بیکاری، تشدید استثمار و سلب ابتدائی ترین حقوق کارگران ارمنیان دیگری برای طبقه کارگر ایران نداشته، اقدامات ارتجاعی خود را علیه کارگران تشدید کرده است. اخیراً یک فوریتی طرحی در مجلس ارتجاع اسلامی به تصویب رسیده که چنانچه قطعیت یابد، بر طبق آن، کارگاههایی که دارای ۲ کارگر و کمتر هستند، رسماً از دایره شمول قانون کارکنار گذاشته خواهند شد.

این واقعیت بر کارگران ایران روشن است که قانون کار جمهوری اسلامی، یک قانون کار ارتجاعی است به نفع سرمایه داران. در این قانون کار بسیاری از حقوق کارگران و حتی استانداردها و ضوابط بین المللی که دولتها موظف به رعایت هستند، نادیده انگاشته شده است. با تمام این اوصاف، جمهوری اسلامی، زیر فشار مبارزه کارگران، در شرایطی خاص، مجبور به پذیرش موارد اندکی از حقوق کارگران گردید که در همین قانون کار موجود به آن رسمیت داده شده است. هر چند که بخشی از آنها نیز بر روی کاغذ باقی مانده و در عمل نفی شده اند. اکنون رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است تا با ایجاد تغییراتی در قانون کار به زیان کارگران، همان اندک حقوقی را هم که به رسمیت شناخته شده بودند، از کارگران بازپس گیرد. طرح اخیر در واقع مقدمه ای برای سیاست و اقدامات ضد کارگری حکومت اسلامی است.

حقیقت امر این است که جمهوری اسلامی در چندین سال گذشته نیز عملاً همین سیاست را پیش برده و کارگران کارگاههایی زیر ۵ نفر در عمل مشمول قانون کار نبوده و هیچگونه نظارت و کنترلی هم بر این کارگاهها اعمال نشده است. کارگران کارگاههایی کوچک در عمل نه مشمول همان حداقل حقوق و دستمزد ناچیز تعیین شده از جانب دولت بوده اند، نه ساعات کار آنها محدود و مشخص بوده است، نه از حقوق و مزایای مربوط به باصلاح بیمه های اجتماعی برخوردار شده اند و نه از دیگر حقوق و مزایای

کارگران کارگاههایی بزرگتر بهره مند شده اند. هر زمان هم که کارفرما اراده کرده، کارگران را اخراج کرده است. این واقعیت آنقدر روشن است که حتی سران خانه کارگر، که وظیفه ای جز تلاش برای سازش کارگر و سرمایه دار و به انحراف کشاندن مبارزات طبقه کارگرایران ندارند، به آن اعتراف میکنند. محبوب دبیرکل خانه کارگر در این مورد میگوید: قانون کار هم اکنون هم به طور کامل در واحدهای تولیدی و کارگاههایی کوچک اجرا نمیشود. البته این توجیه گر نظام سرمایه داری و طرفدار رژیم ضد کارگری اسلامی ادعا میکند که به این علت همین قانون دست پخت حکومت اسلامی در کارگاههایی کوچک به مرحله اجرا در نیامده است که وزارت کار و امور اجتماعی به قدر کافی بازرس در اختیار ندارد.

بهر کارگری روشن است که این اظهارات، چیز دیگری جز توجیه گری یک طرفدار نظام سرمایه داری نیست. ضایع شدن حقوق صدها هزار کارگر را نمیشود با کمبود بازرس توجیه کرد. در ذات و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی نیست که از حقوق کارگر دفاع کند، و یا حتی مانع از پایمال شدن حقوقی گردد که ظاهراً به رسمیت شناخته شده است. بالعکس جمهوری اسلامی همواره کوشیده است، مستقیم و غیر مستقیم، رسماً و باصطلاح قانوناً یا عملاً حقوق کارگران را ضایع و لگدمال کند. اما سوال اکنون این است که چرا جمهوری اسلامی در مقطع کنونی میخواهد به سیاستی که در عمل پیش برده است، با تغییر در قانون کار به آن رسمیت بخشد؟ واقعیت امر این است که این تغییری که میخواهد در قانون کار به زیان کارگران ایجاد کند، مقدمه ای بر یک رشته اقدامات دیگر علیه عموم کارگران، از جمله کارگران کارخانه های بزرگ است. از دورانی که رفسنجانی رئیس جمهور حکومت اسلامی بود، گروهی از سران و کارگزاران رژیم، مسئله ایجاد تغییراتی در قانون کار را به میان کشیده بودند. مقامات اقتصادی دولت رفسنجانی خواهان آنچنان تغییراتی در قانون

صفحه ۱۴

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرسهای سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۷۳۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 325 may1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق